



حج وادی امن

حج وادی امن، ص: 1

به عنوان پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

آه: ای کاش از قرآن مجید آگاه می شدیم، و ای کاش از مقررات و فرامین بلند اسلام اطلاع حاصل می کرده، و از رموز و اسرار و نتایج اجرای دستورات الهی باخبر می گشتیم.

این آگاهی و اطلاع، این هوشیاری و بیداری، برای اینکه از راه غلط رفته بازگشته و مجموع خسارت های کمرشکن و زیان های شدید به نظام حیات اسلامی را جبران کنیم.

این آگاهی برای اینکه، به مسئولیت ها بیشتر آشنا شده، وظایف انسانی خود را درک کرده تا مجتمع و نسل سرگردان خود را از تیره روزی، و گرداب مهیب فساد، و غرب زدگی برهانیم.

حج وادی امن، ص: 2

این بیداری، برای اینکه کاروانی از مسلمانان حقیقی ساخته، و حق حاکمیت خود را بر جهان، که در صدر اول اسلام به خاطر آراسته بودن به اسلام واقعی بر عالم و عالمیان داشته بازیابیم، و مانند روزگاران روشن و نورانی گذشته برای تربیت خود و دیگران در تمام زوایای حیات به کوشش برخاسته و جاذبه ای به گستردگی تمام جهان برای جذب جهانیان به جو تربیت اسلامی ایجاد کنیم.

این بیداری و آگاهی، برای اینکه دوباره پرچم دانش و بینش را در سایه قرآن برافراشته، و همگان را برای سیراب شدن از چشمه حقایق دعوت کرده، و عملاً تشکیل مدینه فاضله دهیم.

این دفتر كوچك كه هم اكنون در دست داريد، گوشه ای محدود و خیلی محدود و نارسا از اسرار و رموزات و نتایج عملی یکی از برنامه های ریشه دار اسلامی یعنی حج را به شما، مخصوصاً مسافران راه حق نشان داده، و از شما می خواهد هرچند خواندن آن به خاطر نارسائی عبارات، و نقص در انشاء، و اسلوب مطالب برایتان دردسر باشد، قبل از شروع به سفر، یا پیش از آغاز به اعمال از اول تا آخر آن را خوانده، و دیگران را هم در فراگیری آن با خود سهیم سازید.

حسین

حج وادی امن، ص: 3

اینست حج

شاکر از رحمت خدای کریم	حاجیان آمدند با تعظیم
برده لبیک عمره از تعظیم	آمده سوی مکه از عرفات
بازگشته بسوید خانه سلیم	یافته حجد و عمره کرده تمام
پای کردم برون زحد گلیم	من شدم ساعتی به استقبال
دوستی مخلص و عزیز و کریم	مرمرا در میان قافله بود
زین سفر کردن برنج و به بیم	گفتم او را بگوی چون رستی
چون تو کس نیست اندرین اقلیم	شاد گشتی از آنکه حج کردی
حرمت آن بزرگوار رحیم	بازگو تا چگونه داشته ای
چه نیت کردی اندر آن تحریم؟	چون همی خواستی گرفت احرام

هرچه مادون کردگار عظیم	جمله بر خود حرام کرده بدی
از سر علم و از سر تعظیم	گفت نی، گفتمش زدی لبیک
بازدادی چنان که داد کلیم	می شنیدی صدای حق و جواب
ایستادی و یافتی تقویم	گفت نی، گفتمش چو در عرفات

حج وادی امن، ص: 4

به تو از معرفت رسید نسیم	عارف حق شدی و منکر خویش
در حرم همچو اهل کهف و رقیم	گفت نی، گفتمش چو می رفتی
در غم حرقت عذاب حجیم	ایمن از شر نفس خود بودی
همی انداختی به دیو رجیم	گفت نی، گفتمش چو سنگ جمار
همه عادات و فعل های ذمیم	از خود انداختی برون یکسو
گوسفند از اسیر و یتیم	گفت نی، گفتمش چو کشتی تو
قتل قربان نفس دون و لئیم	قرب حق دیدی اول و کردی
مطلع بر مقام ابراهیم	گفت نی گفتمش چو گشتی
خویشی خویش را به حق تسلیم	کردی از صدق اعتقاد و یقین

گفت بی، گفتمش به وقت طواف
از طواف همه ملائکین
که دویدی به هروله چو ظلم
یاد کردی به گرد عرش عظیم
گفت بی، گفتمش چو کردی سعی
از صفای سوی مرو بر تقسیم

حج وادی امن، ص: 5

دیدى اندر صفای خود کونین
گفت بی، گفتمش چو گشتی باز
شد دلت فارغ از جحیم و لئیم
مانده از هجر کعبه دل به دو نیم
کردی آنجا به گور مر خود را
همچنانی کنون که گشته رمیم
گفت از این باب هرچه گفتی تو
من ندانستم از صحیح و سقیم
گفتم ای دوست پس نکردی حج
نشدی در مقام محو مقیم
رفته و مکه دیده، آمده باز
محنت بادیه خریده به سیم
گر تو خواهی که حج کنی پس از این
این چنان کن که کردم تعلیم

حج: از دیدگاه يك آگاه

عالم بزرگ، محدث خبیر، مرحوم حاج میرزا حسین نوری طبرسی در کتاب پرمایه مستدرک جلد دوم صفحه 186 خبر بسیار مهمی را در این زمینه بدین صورت بازگو می کند:

حج وادی امن، ص: 6

چهارمین رهبر بزرگ عالم تشیع، گهر گرانهای صدف هستی، زینت بخش بندگی بندگان خاص حضرت زین العابدین علیه السلام، پس از ادای برنام حج به مدینه باز می گشتند، مردی به نام شبلی به استقبال آن پیشوای راستین آمده بود.

پس از ادای مراسم احترام به پیشگاه حضرت سجاد از طرف امام چنین مورد سؤال قرار گرفت: آیا هیچ به حج خانه حق رفته ای؟ در پاسخ عرضه داشت آری.

فرمود: در آن هنگام که به میقات وارد شدی، و از لباسهای دوخته خود درآمدی، و غسل کردی اراده داشتی که خود را از اشتباهات و لغزشها برای همیشه در دو مرحله ظاهر و باطن شستشو دهی؟ گفت نه!!

فرمود آه: پس نه به میقات وارد شدی و نه از لباس دوخته بیرون آمدی، و نه غسل حقیقی به جای آوردی.

فرمود: آیا خود را پاکیزه کردی و سپس احرام بست و پیوند خود را با مبدء عالم به وسیله حج استوار نمودی؟ گفت آری، فرمود: در آن هنگام در نیت داشتی که خود را از تمام آلودگیها به نور توبه برهانی، گفت نه! فرمود: به وقت احرام هر برنامه ای را که دوست نمی پسندد و به خاطر مصلحت خواهی نسبت به

حج وادی امن، ص: 7

بندگانش ممنوع نموده بر خود حرام دانستی گفت نه! فرمود: به وقت بستن پیوند حج و هنگامی که آن را با عمره محکم می کردی در اراده داشتی که هر عقد و پیمان، و هرگونه قرارداد غیر خدائی را از برنامه هایت باز کرده و جز با حضرت دوست پیوند و قراردادی نداشته باشی گفت نه! فرمود: پس در حقیقت خود را پاکیزه نکرده و احرام نبسته و پیمان حج را محکم و استوار نکردی.

فرمود: به میقات وارد شدی، و دو رکعت نماز احرام به جای آوردی، و تلبیه گفتی، عرض کرد آری. پرسید: به هنگام ورود به میقات در نیت تو بود که به زیارت حق آمده ای، و این نماز و احرام و تلبیه مقدمات لقاء اوست، گفت نه. فرمود: وقتی دو رکعت نماز خواندی در اراده داشتی که به ارزنده ترین برنامه ها و بزرگترین حسنات و وسائل قرب به آن حضرت را آماده کنی، گفت نه! فرمود وقتی تلبیه گفتی در نیت داشتی که به هر برنامه صحیحی در پیشگاه حق به اقرار برآمده ای و در حال پیمان بستن با اوئی که در تمام جوانب حیات از فرمانش پیروی کنی و از هر معصیت و خطائی روی بگردانی گفت نه! فرمود: پس در حقیقت وارد میقات نگشته و نماز احرام به جای نیاوردی و تلبیه نگفتی!!

حج وادی امن، ص: 8

سپس فرمود: آیا وارد مسجد الحرام شدی، و پای در حرم مبارك حق گذاشتی، و کعبه را با دیده خود دیدی و در برابر آن نماز گذاردی؟ گفت آری. فرمود: به هنگام ورود در حرم آیا در ضمیرت بود که از هرگونه بدگوئی پشت سر برادران مسلمان دوری جوئی، و عیب گفتن اهل قبله را ترك کنی؟ گفت نه! فرمود زمانی که وارد مسجد خیف شدی و نماز خواندی آیا اراده کردی که از هیچ برنامه ای جز مخالفت با امر خداوند نترسی، و به چیزی جز رحمت الهی امید نداشته باشی؟ گفت نه!

فرمود: وقتی گوسفند قربانی را سر بریدی آیا نیت کردی که حلقوم طمع را جدا کنی، و آیا به هنگام قربانی توه داشتی که راه ابراهیم را می روی، آن بزرگ انسانی که یگانه فرزند عزیز خود را به قربانگاه آورد تا برای محبوب خود فدا کند گفت نه! فرمود: هنگام بازگشت به مکه و طواف بیت در قصد داشتی که از دریای عنایت حق بهره برده و به مسیر بندگی و عبودیت روی کرده و به رشته محبت و ولایت او دست آویخته ای و واجبات حضرتش را ادا کرده به مقام قدس و رحمت او تقرب جسته ای گفت نه! در این حال بود که صدای گریه امام بلند شد و شدت تأثر و ناراحتیش به اندازه ای بود که گوئیا وقت مفارقت روح از بدنش نزدیک آمده، می گریست و پی در پی می گفت آه آه!!!

حج وادی امن، ص: 9

آنگاه فرمود: ای شبلی آن کس که دست به حجر الاسود بگذارد به مانند آنست که با خدای خود دست داده، نکو بنگر ای بنده ناچیز شکسته و ای موجود ضعیف افتاده که کجائی و چه می کنی، پاداشی را که خدای بزرگ بر این برنامه عالی قرار داده ضایع مکن، و عهدی را که با دوست بسته ای مشکن، آگاهی که روی گردانی از امر او گناه و معصیت است و مخالفت با فرمانش بزرگترین عامل شکستن پیمان تو با اوست.

سپس فرمود: ای شبلی آن زمان که در مقام ابراهیم ایستادی اراده داشتی که از آن هنگام به بعد کنار هر فرمانی از فرامین الهی ایستادی مقاومت کنی و تا فرمانش را نبری از پای ننشینی و از هر گناهی دوری جسته و خویشتن دار باشی گفت نه، فرمود: به هنگام نماز در آن مقام بزرگ عزم داشتی که از خطوط بندگی ابراهیم پیروی کنی، و دماغ شیطان را به خاک بمالی گفت نه، فرمود: پس در حقیقت با حجر الاسود که محل میثاق و پیمان الهی است مصافحه نکرده، و در مقام ابراهیم نایستاده و در آن جای مقدس نماز بجا نیاورده ای!!

فرمود: کنار آب زمزم رفتی و از آن چشمه آب نوشیدی گفت آری، فرمود: نیت داشتی که هم اکنون کنار مرز عبادت رسیده و

حج وادی امن، ص: 10

باید از آن پس چشم از گناه پوشید گفت نه! فرمود: در واقع بر سر آن چاه نرفته و از آبش نیاشامیده ای.

آنگاه فرمود: بین صفا و مروه سعی کردی؟ گفت آری، فرمود: در آن وقت نیت داشتی که در حال بیم و امید در پیشگاه الهی قدم می زنی، در اندیشه اینکه آیا مرا می پذیرند یا نه رفت و آمد می کردی گفت نه! فرمود: در حقیقت سعی صفا و مروه نکرده و در آن جایگاه با عظمت قدم نزنده ای.

سپس پرسید: ای شبلی آیا به سرزمین منی رفتی؟ گفت آری، فرمود: در آنجا توجه داشتی که مردم مسلمان را از خطر دست و زبانت ایمن بداری زفت نه! فرمود: پس به منی نرفتی.

آنگاه گفت: به زمین عرفات وقوف کردی، و خود را آماده پذیرفتن رحمت الهی نمودی، و وادی نمره را (کوهی است در حد عرفات) شناختی، و حضرت دوست را در نزد علائم و نشانه ها خواندی، گفت آری این برنامه ها را انجام دادم فرمود: آیا در موقف عرفات که مقام عرفان و شناسائی است دانستی که خدای عزیز چه برنامه های فوق العاده ای از علوم و معارف را به انسان شناسانده، و بیدار بودی که یار بر تمام اسرار تو آگاه است و فرداست که نامه اعمال و پرونده کردارت را به دستت خواهد داد گفت نه!

حج وادی امن، ص: 11

فرمود: چون کنار جبل رحمت رفتی به نظر آوردی که خدای مهربان هر مرد و زن با ایمان را مورد لطف قرار می دهد و مشمول عنایت خود می کند و همه مردم مؤمن را دوست دارد، گفت نه!

فرمود: وقتی وارد وادی نمره شدی به این مسئله توجه داشتی که تا خود بنده حق نباشی دیگری را به بندگی مخوانی و تا خود از گناه باز نایستی دیگری را نمی گفتی نه! پرسید: به هنگامی که نزد نشانه ها و علائم توقف کردی، هیچ در نظر آوردی که خالق عالم و نگهبان آفرینش، آسمان و زمین و ملائکه مأمور برنامه های عالم را مراقب برنامه های تو قرار داده گفت نه! فرمود: در حقیقت به عرفات وقوف نکرده و به جبل رحمت برنیامده و وادی نمره را نشناخته و خدای مهربان را نخوانده ای!!

سپس پرسید: آیا در وادی مزدلفه وارد شدی و سنگریزه های جمره را از آنجا برداشتی و به سرزمین مشعر درآمدی؟ گفت آری، فرمود در آنجا نماز خواندی و متوجه بودی که آن شب، شب عید قربان است و نماز مخصوص به آن شب است و آن دو رکعت کلید حل هر مشکلی است، گفت نه!!

فرمود: زمانیکه بین دو نشانه راه می رفتی و از منحرف شدن به جانب راست و چپ نگران بودی و سعی داشتی مستقیم

حج وادی امن، ص: 12

حرکت کنی، در نظر داشتی که از راه حق انحراف حاصل نکرده و از دل و دست و زبانت خطائی سر نزنند گفت نه! فرمود: وقتی در وادی مزدلفه قدم می زدی و سنگریزه های جمره را جمع می کردی توجه داشتی که خود را از هر گناه و پلیدی برکنار داشته و در تمام برنامه های حق ثابت و استوار بمانی گفت نه!

فرمود: وقتی وارد مشعر شدی آیا درونت را به شعار اهل تقوی بیدار کردی گفت نه!

فرمود: پس در واقع به نشانه های حرم مرور نکرده و در آن بقاع متبرکه نماز به جای نیاورده و از آن سرزمین مقدس سنگ برنچیده و به مشعر گذر نکرده ای.

پرسید: به زمین منی رفتی، و رمی جمرات کردی، و سر خود را تراشیدی، و قربانی نمودی، و در مسجد خیف نماز خواندی و برای بقیه اعمال به مکه بازگشتی؟ گفت آری.

فرمود: چون به منی رسیدی و رمی جمرات کردی به نظر آوردی که به هدف خود رسیده و هر خواسته صحیحی داشتی خدایت اجابت فرموده گفت نه!

حج وادی امن، ص: 13

فرمود: وقتی رمی جمره می کردی در نیت داشتی که دشمن دیرین خود ابلیس و سپاهش را از خود می رانی گفت نه! فرمود وقتی موی سر زدی توجه داشتی که خود را از هرگونه پلیدی و ناپاکی تمیز کرده و از گناهان بیرون آئی آنچنان که فرزند از مادر متولد می شود، گفت نه! فرمود: در حقیقت به منی نرفته، و رمی جمرات نکرده، و حلق رأس ننموده، و قربانی سر نبریده و در مسجد خیف نماز نخوانده و به سوی حضرت حق حرکت نکرده ای.

فرمود: پس از بازگشت به مکه آیا در دل اینچنین قصد داشتی که به سوی او در حرکتی و به خاطر تقرب به مقام او از خانه خود بیرون آمده ای گفت نه! فرمود: پس در حقیقت وارد حرم نشده و خانه کعبه را ندیده و نماز در آنجا بجای نیاورده ای.

پرسید: آیا پس از ورود به مکه طواف خانه نمودی و دست بر ارکان گذاشتی، و آخرین سعی صفا و مروه نمودی گفت آری، فرمود: وقت سعی در نظر داشتی که از همه روی تافته و به سوی او گریخته و به بارگاه قدس او آمد و شد می کنی گفت نه! فرمود: در حقیقت طواف خانه نکرده و استلام ارکان ننموده و سعی و صفا و مروه بجای نیاورده ای!! برگرد دوباره حج بجای آر زیرا تو این سفر را به آن معنائیکه خواسته اند نرفته و مطابق با

اهداف عالیله این برنامه بزرگ اسلامی قدم برنداشته ای! در این وقت شبلی سخت گریست و از آن ساعت به کوشش برخاست تا خدایش برای سال بعد موقوف به آن سفر روحانی کرد و به آنچه به وسیله حضرت زین العابدین علیه السلام آگاه شده بود عمل نمود.

حج وادی امن، ص: 14

از دیدگاه قرآن

ارزیابی عظمت، و اهمیت برنامه های اسلامی، و نقشی که برای به پا داشتن يك نظام عادلانه در مجتمع انسانی قواعد و مقررات الهی دارند، تنها از طریق دقت در آیات قرآن مجید و روایاتی که در معتبرترین مدارك دینی تدوین شده میسر است، و نیز از نتایج مثبتی که از عمل به آن اصول عاید جامعه و خانواده می گردد می توان به اصالت حقوق اسلامی در تمام جوانب حیات پی برد.

قرآن کریم حاوی کلیات و پاره ای از جزئیات مقررات اسلامی است و روایات نقل شده از رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام شرح و توضیح آن کلیات و جزئیات است.

نتایجی که از اجرای مقررات اسلامی به جامعه بازمی گردد، عبارتست از حفظ حقوق انسان در تمام جوانب حیاتش و بالاخره حصول سعادت دنیا و آخرت برای بشر.

مسئله حج که همانند خورشید در میان احکام اسلامی می درخشد و از امتیازات خاصی برخوردار است از طریق کتاب حق

حج وادی امن، ص: 15

و محتویات فکر پیشوایان معصوم اسلام و نتایجی که از عمل به آن به مسلمین بازمی گردد قابل بررسی است.

در کتاب خدا سوره آل عمران آیه 97-96 می خوانیم همانا اول خانه ای که برای مردم به خاطر عبادت و بندگی قرار داده شده، خانه ایست که در مکه است، آنجا مرکز خیر و برکت و منبع نفع و سود برای مردمان، و محور هدایت و راهنمایی است، در آنجا نشانه های روشنی از خدا قرار دارد، مقام ابراهیم آنجاست، آنکس که خود را بدان جایگاه رساند در حریم امن قرار گرفته، این حق واجبی است از طرف حق بر عهده بندگان که در حال توانایی به سوی آن مکان بشتابند، و اعمال مربوطه را طبق دستور الهی بجای آورند، و هرکس از اجرای این دستور سر باز زند، کفر ورزیده. همانا خدای بزرگ از تمام عالمیان بی نیاز است.

آری! هدف حق از قرار دادن آن خانه در مکه برای اجرای مراسم بندگی و عبودیت از طرف مردم است، و اینکه خداخواهان و خداپرستان آن را وسیله ای برای تحصیل بندگی قرار دهند، و به واسطه اجرای مقررات و مناسک آن به پرستش الهی برخاسته، و رسوم بندگی را اجرا کنند، مگر نه اینست که تاریخ حیات بشری نشان داده که بدست آوردن سلامت و خوشبختی در تمام

حج وادی امن، ص: 16

زویای حیات از طریق درك توحید و توجه به شئون حق میسر است؛ مگر جز از راه آشنایی با حق و حقوقی که برای حفظ کیان انسان بر عهده آدمی نهاده شده در زندگی خیری بدست می آید؟ کعبه و شئون آن جهت است برای نشان دادن توحید و بدست آوردن فضائل انسانی از طریق مناسک آن.

مبارکاً وهدی للعالمین

گرچه با دقت نظر برکات دنیوی و اخروی از لفظ مبارکاً استفاده می شود، ولی با توجه به جمله بعد گروهی از دانشمندان به قرینه آیه شریفه 37 سوره ابراهیم بر این عقیده اند که مراد برکات دنیویست، چنانچه در صریح آیه سوره ابراهیم از قول قهرمان توحید بازگو شده: پروردگارا، من، زن و فرزندم را نزد خانه تو در سرزمینی خشک و غیر قابل کشت سکونت دادم،

خداوندا به خاطر اینکه نماز بیای دارند، تو ای آگاه بر تمام احوال، دل مردمان را بدیشان توجه داده و از انواع میوه جات و نعمتهایت آنان را بهره ده تا به شکر تو برخیزند.

آری نتیجه مبارك بودن آن جایگاه، و قبول شدن خواسته بنده خاص حق حضرت ابراهیم را مسافرینی که در این سالها نزدیک به يك میلیون هستند از نزدیک مشاهده کرده، و می بینند مرکزی که از وسائل اولیه طبیعی محروم است، آن همه جمعیت را به

حج وادی امن، ص: 17

هنگام مراسم در خود پذیرفته و از آنان به بهترین صورت پذیرائی می کند.

حتماً می دانید آنجا همان مرکزی است که طفل شیرخوار هاجر به خاطر نبودن قطره ای آب نزدیک به هلاکت بود! و از گیاه سبز در آنجا خبری نبود، ولی هم اکنون در ایام حج و غیر حج دل حاجیان و غیر آنان متوجه آنجاست، و مسافرین و زائرین گرچه در میانشان مردم راستین کم است، در آن مرکز برکت از انواع محصولات، و میوه جات، و مواد خوراکی، و غیر خوراکی بهره مندند، بعلاوه در تمام ایام سال، شبانه روز پنج نوبت با توجه قلب در آن حریم را می کوبند و با قرار گرفتن در شعاعی که از آن جهت قبله تعبیر می کنند با معبود خود به راز و نیاز برمی خیزند.

هدف از هادی بودن آن خانه اینست: که در آنجا مردم به شرط اجرای مناسک حج به معنای واقعی، راه تحصیل خیر دنیا و آخرت را آموخته و به مقام قرب حق و خشنودی الهی نزدیک می گردند.

مسلم است که از زمان بنای کعبه، که همزمان شروع حیات آدم در کره خاک بوده، این مرکز مبدأ و منبع پخش نور و برکت و مرکز هدایت بندگان و راهنمایی ایشان به سوی حقایق عالی بوده،

حج وادی امن، ص: 18

و همان جاست که قرآن اولین سوره های خود را برای دستگیری مردم و نجاتشان از گمراهی ارائه کرده و بینشی وسیع برای آگاهی بشر از جهان و انسان به انسان عطا نموده است.

مکه، آری مکه همان مرکزی که در آن مناسک عالی حج انجام می گیرد، با توجه به آن مناسک و دقت در اسرار آن آدمی از شرك و زندقه، نفاق و دورویی، قومیت و عصبیت، تکبر و نخوت، اسارت و ذلت، و سایر پلیدی ها دور شده و به جمیع مراتب هدایت آشنا می گردد.

کعبه، به آدمی می آموزد که بنده پاک از تمام شوائب مورد توجه حق است، تعلیم می دهد که بایستی مجتمع اسلامی در تمام برنامه های زندگی وحدت کلمه پیدا کرده، و به ثروتمندان که وکیل خداوند در زمین هستند و در آن وقت به خاطر ادای مناسک در کنار هم جمع شده درس می دهد که روابط معنوی و مادی خود را بر اساس اصول اسلامی محکم کرده و به ندای مظلومان و بیچارگان جواب گفته و با ثروت خدادادی خود به رفع نیازمندی های ملل اسلامی برخاسته، تا از زنجیر اسارت هوای نفس، و گرفتار بودن به بند بیگانگان آزاد شده، استقلال ملیت اسلامی را برای همیشه از خطرات حفظ کنند.

حج وادی امن، ص: 19

کعبه، درس می دهد، درس محبت و دوستی، اخوت و برابری، عدل و مساوات، صفا و صمیمیت، و اینکه در آن مکان مقدس به وسیله شرکت ممتازان ملت ها دردهای اجتماعی دوا شده و کمبودهای مجتمع جبران شود.

راستی آن خانه در پرتو مجد و عظمت مخصوصی که دارد، راهنمای مسلمین به سوی سعادت دنیا و آخرت است، و به غیر مسلمان هم راه ایجاد اتفاق و اتحاد را آموخته و به آنان می گوید که در رفع مشکلات اجتماعی نیاز مبرم به يك مجمع عمومی سالم و پاک و صالح دارند هدی للعالمین در آیه 98 سوره مائده هم به همین موضوع اشاره شده.

يك بار دیگر آیه 97-96 سوره آل عمران را بخوانید که می گوید: در آنجا نشانه های روشنی از حق قرار گرفته از جمله مقام ابراهیم و اینکه، هرکس در حریم اجرای دستورات آنجا وارد شود از رنج دنیا و عذاب آخرت برهد، مسلم است اگر زائر در مقام ابراهیم بتواند برای تماشای خطوط بندگی ابراهیم به پرواز روحی نائل شود و در دایره همان برنامه های ابراهیمی قرار بگیرد از خزی دنیا و عذاب آخرت هم چون ابراهیم در امان خواهد شد.

حج وادی امن، ص: 20

سپس در آیه شریفه به اهمیت اصل مسئله اشاره کرده می فرماید: بر هر مسلمان توانائی در مدت عمر يك بار زیارت آنجا واجب، و روی گردان از این برنامه در مرز کفر است.

برنامه دیگر به جای حج

مسئله مال و مقام زائر

ثواب حج

تفاوت در اخبار

گناه پیشگیری از حج

پاکی مال و اخلاص در عمل

از دیدگاه روایات

علی علیه السلام: خدای بزرگ زیارت خانه اش را به انضمام ادای مناسک عالی آن بر شما واجب کرده، کعبه را قبله مردم برای تحصیل مقام بندگی قرار داد. حج گزاران چون چهارپایان تشنه به هنگام ورود بر سر چشمه برای رفع تشنگی به آنجا وارد می شوند، و قلوب پاک بیداران آمدن بدان سوی را چون کبوتران به آشیانه خود.

حج وادی امن، ص: 21

مهربان خدای آن جایگاه مقدس را برای خاکساری مردم در برابر بزرگیش، و به خاطر اقرار مردم در مقابل عزت و پادشاهیش، علامت و نشانه قرار داد، و از بندگان خود شنوندگانی را انتخاب کرد، که دعوتش را برای ادای مناسک آنجا بپذیرند.

گوش دهندگان به فرمان الهی، دعوت حق را پذیرفته، و در جایگاه پیامبران ایستاده و خود را به ملائکه که عرش الهی را طواف می کنند تشبیه نمودند.

آنان در پرتو این عبادت سود کلانی به دست آورده و بدانجا می شتابند و از هم پیشی گرفته تا خود را به محل آمرزش برسانند.

پروردگار آن خانه را نشانه اسلام، و پناهگاه پناهندگان قرار داد، و حج آن محل را بر بندگان واجب فرمود، و احترامش را بر همگان لازم کرد، و رفتن بدان سوی را امر نمود.

در قرآن مجیدش فرمود: ادای حق حج بر مردم توانا واجب است، آن کس که کافر شود به خدا زیانی نمی رساند، زیرا خداوند در همه شئون از همه جهانیان بی نیاز است.

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه (110) نوح البلاغه در ضمن بیان ارکان اسلام در خصوص مسئله حج می فرماید: حج خانه حق و

حج وادی امن، ص: 22

به جای آوردن عمره فقر و پریشانی را از آدمی دور کرده و انسان را از خطا و آلودگی پاک می کند، آری به هنگام ادای مناسک به آن کیفیتی که از آدمی خواسته اند انسان را از گذشته پر خطای خود پشیمان کرده، و آینده روشنی را به زائر نوید می دهد، آن وقت است که پس از اتمام حج آدمی که پس از اتمام حج آدمی حاضر نخواهد شد از طریق حنیف روی گردانده و از راه الهی باز ایستد، عنایت حق به چنین فردی در دو جهت مادی و معنوی حتمی است و این همان است که در يك جمله نوح البلاغه از قول امیر مؤمنان خواندید،

امام عارفین در آخرین ساعات عمر خود به هنگام وصیت به فرزندان گرامش و هر کس سخنش را بشنود دربار حج چنین فرمود: خدا را، خدا را، بر شما باد به مسئله حج، تا زنده اید آنجا را خالی نگذاشته و نگذارید خلوت بماند، زیرا عکس العمل خلوت گذاردن خانه حق شدید است، از عنایت خدا محروم خواهید شد و شخصیت شما متلاشی خواهد گشت. «1».

ابان بن عثمان از مردی حدیث می کند که می گفت: به امام باقر (ع) عرضه داشتم چرا حج را حج می گویند؟

(1) نوح البلاغه صبحی ص 422

حج وادی امن، ص: 23

فرمود: فلان کس حج کرد یعنی رستگار شد «1».

بزرگ پیامبر فرمود: کسی که بمیرد و در صورت قدرت حج بجا نیاورده باشد به مرگ یهودی یا نصرانی خواهد مرد «2».

امام صادق (ع) می فرماید: آن کس که به خاطر فلاکت، یا نداشتن قدرت جسمانی، یا مانع شدن ستمگر، نتوانست حج کند معذور، و در غیر این صورت به هنگام مرگ یا یهودی یا مسیحی از دنیا خواهد رفت!!

برنامه ای دیگر بجای حج

شیخ طوسی در کتاب باعظمت تہذیب ج 1 ص 448 در حدیث صحیحی از امام ششم (ع) روایت کرده: که شخصی به دیدن رسول خدا (ص) آمد و گفت: من برای انجام حج حرکت کردم اما به مقصد نرسیدم، و از این بهره بزرگ محروم شدم، اکنون ثروت هنگفتی در اختیار من است، مال خود را در چه برنامه ای خرج کنم تا تلافی حج شود، و سودی همانند ثواب حج ببرم.

(1) معانی الاخبار ص 170.

(2) محجہ البیضاء ج 2 ص 145.

حج وادی امن، ص: 24

رسول گرامی اسلام بدو نگاهی کرد و فرمود: به کوه ابوقییس بنگر، اگر این کوه برایت طلای احمر شود و آن را در راه خدا خرج کنی به ثواب يك حاجی نخواهی رسید، حاجی به هنگام تدارك سفر هر چه از جای بردارد، و آنچه بر زمین بگذارد برای او ده حسنه نوشته می شود و ده گناه بخشیده می گردد و ده درجه به او می رسد، و همینکه سوار مرکب گردد به هر گامی که بر می دارد خداوند برایش به مثل به مثل آنچه گفتیم می نویسد.

همین که طواف خانه حق کند از گناه خارج می گردد، و چون سعی صفا و مروه نماید از معاصی پاك شود و به هنگام وقوف به عرفات از ذنوب خود خارج گردد، و به خاطر رمی جمرات بی گناه شود، در هر صورت رسول عزیز اسلام در فرمایشات خود به يك يك از برنامه های حج و موقف ها اشار فرمود و نظیر ثواب و بهره های گفته شده خود را برای تمام مواقف بیان داشت سپس به آن مرد گفت: آنچه برای يك حاجی فراهم می شود کجا برای تو به دست خواهد آمد؟!

مسئله مال و مقام زائر واقعی

صدوق بزرگوار در من لا یحضر باب حج نقل می کند: مسافری که مسیر سفرش به سر حد حرم برسد، در صورتی که فرود آید و غسل کند، و نعلین خود را به دست گرفته با پای

حج وادی امن، ص: 25

برهنه در حالت تواضع به خاطر خدای عز و جل و عزت و جلال او داخل حرم شود، پروردگار صد هزار حسنه به او عنایت کرده و مشابهنش سیئی از او محو می کند، و صد هزار درجه ترفیع مقام به او می دهد. در روایات و اخبار حج آمده که رسول خدا فرمود: هر مالی در مصرفش سؤال و جواب خواهد بود و مسئولیت برای خرج کننده خواهد داشت مگر مالی که در راه حج و یا جهاد در راه خدا خرج شود.

امام ششم بنا به نقل صدوق در من لا یحضر فرمود: يك در هم خرج کردن در راه حج بهتر است از صد هزار درهم در راه دیگر که آن هم حق باشد، و يك درهم حق امام را به امام دادن بهتر است که از هزار درهم در راه حج.

حاجی باید به این واقعیت توجه داشته باشد، که مسلمان باید همیشه درآمدش از راه حلال باشد و هرگز اجازه ورود درمی حرام به اموال خود ندهد، و اگر خدای ناخواسته به هنگام آمده شدن برای سفر حج به مال خود اطمینان ندارد، یا حق امام، یا حقوق مردم در مال اوست مالش را پاك کرده و حقوقی را که باید به صاحبان حق رد کند پردازد، زیرا با نپرداختن حقوقی که تعلق به مال دارد نه تنها از ثواب های بیان شده برای حج محروم خواهد شد، بلکه در هنگام لبیک گفتن در جوابش لا لبیک ولا

حج وادی امن، ص: 26

سعیدیک خواهند گفت، چنانچه در روایت آمده کسی که با مال حرام سفر کند به هنگام لبیک بدو جواب رد خواهند داد.

ثواب حج

شیخ بزرگ حضرت طوسی در تهذیب و محدث خبیر صدوق در من لا یحضر از طریق صحیح، از کتاب حسن بن محبوب، از کتاب محمد بن قیس روایت کرده اند، که محمد بن قیس می گوید: شنیدم از ابوجعفر محمد بن علی باقر (ع) که در مکه این حدیث را برای مردم می فرمود: پیامبر اسلام (ص) نماز صبح را با مردم خواند، سپس با آنان به گفتگو نشست

تا آفتاب طلوع کرد، مردم یکی پس از دیگری از مجلس برخاسته و رفتند به جز دو نفر، يك مرد انصاری، و دیگر مردی ثقفی از اعراب بادیه، رسول خدا به آن دو فرمود: می دانم شما را حاجتی است و آن پرسش از يك مسئله است: اگر بخواهید من قبل از سؤال شما به پاسخ برخیزم، اگر نه پرسید تا به شما جواب بگویم گفتند: شما ما را خبر ده، زیرا گفتن شما بدون پرسش ما بهتر چشم کور را روشنی است، و از شك و تردید دورتر و ایمان ما را نسبت به آنچه باید مؤمن باشیم راسخ تر می کند.

رسول حق از آن مرد انصاری خواست تا نوبتش را به آن مرد بیابانی بدهد و فرمودای برادر انصاری شما نوبت خود را به

حج وادی امن، ص: 27

دوستت و آگذار، زیرا تو از قومی هستی که دیگران را بر خود مقدم داشته و اینار می کنند. در هر صورت آیا حاضری او حاجتش را بر تو مقدم بدارد؛ چون تو اهل شهری و او از بادیه، مرد انصاری گفت با کمال رغبت حاضرم.

رسول اکرم (ص) روی به آن بیابان نشین کرد و فرمود: اما تو آمده ای از من دربار وضو و نماز پرسی که چه اندازه بهره دارد؟ جوابش را گفت و سپس به مرد انصاری فرمود: اما پرسش تو دربار حج و عمره است که برای آن چه اندازه ثواب قرار داده شده، آگاه باش چون عزم حج کردی و تو جهت به زیارت خانه حق قرار گرفت و خود را برای رفتن آماده کردی و بر مرکب سوار شدی و به نام خدا آغاز سفر نمودی به هر قدمی که مرکب از زمین بر می دارد و بر زمین می گذارد خدای بزرگ برایت حسنه ای نوشته و سیئه ای محو می کند، و همین که احرام بستن و لبیک گفتی خداوند به هر لبیک ده حسنه قرار داده ده سیئه دور می کند. چون طواف بیت کردی برای تو نزد حق به خاطر آن عهد و پیمانی است ذخیره شده که حضرت دوست پس از آن از عذاب تو حیا خواهد داشت «1».

(1) البته اگر زائر ایمان خود را حفظ کرده و پس از پایان حج به راه ابراهیم ادامه داده و عهد و پیمان بندگی را تا پایان عمر به سر آورد.

حج وادی امن، ص: 28

و همین که در مقام ابراهیم به دو رکعت نماز قیام کردی به خاطر آن دو رکعت ثواب دو هزار رکعت نماز قبول شده به تو عنایت می شود.

و چون به سعی صفا و مروع برآمدی و هفت بار آن راه را طی کردی برایت نزد حق اجر کسی است که از دیار خود پیاده به حج آمده باشد و مانند کسی است که هفتاد بنده مؤمن را از بردگی رهانده باشد.

و چون وقوف به عرفات را تا غروب انجام دادی اگر خطاییت به عدد ریگ صحرای عالج عربستان و به عدد کف دریاها باشد خدایت می آمرزد، و همین که به منی آمدی و سنگریزه ها را به جمرات زدی برای تو به خاطر هر ریگ ده حسنه نوشته می شود و این ثواب برای تو در بقیه عمرت همواره ثبت می گردد.

و چون سر تراشیدی برای تو به عدد هر موئی که جدا شود حسنه ای نوشته و این ثواب در آینده عمر نیز برایت محفوظ خواهد بود.

و چون قربانی کردی یا به نحر شتر برخاستی به عدد هر قطره خونی که از او به زمین می رسد برایت حسنه ای ثبت و مشابه آن هم برای آینده عمرت هست.

حج وادی امن، ص: 29

و همین که از منی بازگشتی و طواف بیت را بجا آورده در مقام ابراهیم نماز خواندی ملکی به پشت شانه ات زده می گوید: اما از گذشته عمرت هر چه بود آمرزیده شد پس عمل خدا را از سر گیر از اکنون تا صد و بیست روز.

تفاوت در اخبار ثواب حج

در اینجا ناگزیر توجه خوانندگان عزیز را به این نکته جلب کرده که روایاتی که در کتب معتبره با اسناد صحیح در مسئله ثواب حج تدوین شده با یکدیگر تفاوت زیاد دارد با اینکه مردم زائر از نظر سطح عمل با یکدیگر فرقی ندارند، و شاید گروهی به این روایات با نظر خاصی نگریسته بگویند: حج که حج است و تمامی مردم در اجرای مناسک دارای وحدت عمل هستند پس چرا از نظر بهره و ثواب متفاوتند آیا در این روایات صادره تناقض نیست؟! برای حل این مشکل باید گفت تفاوت در ثواب به خاطر تفاوت اشخاص با یکدیگر از نظر کیفیت اجرای مناسک است.

و برای توضیح بیشتر در اطراف این واقعیت از دوستان دعوت کرده به کتاب آفاق الکعبه ص 21 در حل اختلافات روایات از نظر ثواب حاجی در مسئله حج با اینکه همه از نظر قیافه ظاهر

حج وادی امن، ص: 30

حج یکسانند مراجعه کرده و در آن کتاب مسئله را بدین شرح مطالعه کنند.

تفاوت ثواب حج به اعتبار تفاوت معرفت اشخاص، تفاوت نیت و اعتقادات، تفاوت قوه دریافت افراد، تفاوت در ادب و خضوع، تفاوت در اخذ به آداب و هشپاری در برابر مقامات، تفاوت در فهم و دستگاه فهم، تفاوت در دستگاه گیرنده و دهنده اشخاص، تفاوت در عمق اثر حج در بنیه فکر اشخاص، تفاوت در وسعت زاویه نشر آثار متخذه دریافت شده در دیگران و تفاوت جهات دیگر و دیگر است، علی هذا ثواب حج در احادیث به تفاوت آمده، فاصله دو سر حد آن از هر قدمی ده حسنه تا صد حسنه تفاوتی است که همه صدق و صحیح است.

در حج درجات پائین تر و پائین تر تا آخرین نقطه حد هم هست که ثوابی نمی دهند، فقط خداوند به برکت اینکه در سپاه امن وارد وادی امن شده محضاً اهل و عیال او را از حادثه نگه می دارد تا برگردد، چنین زائری آن کس است که حج او قبول نشده باشد.

در کتاب من لا یحضر روایت می کند که حاجیان بر سه گروهند.

حج وادی امن، ص: 31

دسته اول: که نصیب و بهره آنان افزون تر است، و آن آن کسی است که گناهان ما تقدم و ما تأخر او آمرزیده شود و خداوند او را از عذاب قبر مصون و محفوظ خواهد داشت.

گروه دوم: آنان که در جنب دسته اول گناهان گذشته اش آمرزیده شود و آینده عمر باید عمل از سر بگیرد.

طبقه سوم: مردی که در اهل و مالش حفظ شده، روایت آمده که وی آن کس است که حج او قبول نشده!!

صدوق بزرگوار روایت کرده: چون موسی بن عمران حج کرد از امین وحی پرسید: برای کسی که بدون نیت پاك و مال حلال حج کند چه بهره ایست؟ به جبرئیل خطاب رسید بگو: حق خود را به او بخشیده و خلق خود را از وی خشنود کنم.

پرسید برای کسی که با قصد درست و مال حلال این برنامه را عمل کند چه سودیست؟ خدایش جواب داد: او را در رفیع اعلی با پیامبران و راستین مردم و شهدا و صالحین قرار دهم و اینان نیکو رفیقانند.

گناه پیش‌گیری از حج

به خبر زیر توجه کنید زیرا مهم خبری است، صدوق بزرگوار در من لا یحضر ص 209 در مسئله حج از اسحاق بن عمار

حج وادی امن، ص: 32

روایت می‌کند که به امام صادق (ع) گفتم: مردی دربار حج با من مشورت کرد، به خاطر اینکه ضعیف الحال بود بدو گفتم از این سفر صرف‌نظر کند، امام فرمود: چه سزاواری که به خاطر این برنامه نابجا يك سال در بستر بیماری افتی، اسحاق می‌گوید يك سال تمام مریض شدم!!

در روایت دیگر می‌گوید: امام ششم (ع) فرمود: زهار بترسید و پرهیز کنید که یکی از شما از رفتن حج کسی مانع شود: که او را در دنیا فتنه ای خواهد رسید علاوه بر آنچه که به خاطر این عمل ناپسند در آخرت برای او ذخیره می‌گردد. آری کسانی که از راه تبلیغات سوء، یا محدود کردن افراد، یا پیشگیری ستمگرانه از سفر حج جلوگیری کنند در صف مقدم متجاوزان به حقوق الهی و بندگان خدا هستند، و در دنیا و آخرت از غضب و عذاب الهی ایمن نخواهند بود.

پاکی مال و اخلاص در عمل

پیشوای هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: سه چیز را از اصل مال خود یا خالص داشته خود می‌پردازیم:

1- مهریه زنان، 2- خرج مکه، 3- پول کفن

حج وادی امن، ص: 33

این جملات را هنگامی فرمود: که مبلغی در حدود چهار صد درهم در يك كيسه چرمی برای بانویی پرهیزکار و مؤمنه به نام شطیطه به وسیله نماینده مردم خراسان ابوجعفر محمد بن علی فرستاد و فرمود: این مقدار از خالص مال ماست که برای خرج کفن و دفن جهت آن بانوی مؤمنه اختصاص می دهیم.

مقداری از این پول را تا وقتی زنده است مصرف کند، و بقیه را جهت کفن و دفن بگذارد، ما اهل بیت پول کفن و دفن، و مهریه زنان، و مصرف حج را از مال خالص و طاهر خود خرج می کنیم.

هان، ای ابوجعفر چون به نیشابور رسیدی به فاصله ای کوتاه در حدود چند روز بعد از ورود تو آن بانو از دنیا می رود و من قبل از دفن برای نماز بر او حاضر خواهم شد، بدان هنگام که برای نماز بر جنازه او حاضر شوم تو مرا خواهی دید!!

این توجه فواق العاده امام نسبت به شطیطه و سهم کردن او در شئون زندگانی خصوصی خود و خانواده اش پاداش اخلاص آن بانو بوده، که از زحمت چرخ ریسی خود به قدر يك دستمال، یا يك كلاف نخ، یا يك سکه طلا از سهم امام به وسیله ابوجعفر محمد بن علی از نیشابور به مدینه فرستاد، تا خمس دسترنج خود را به دستور خدا به امام (ع) رد کرده باشد.

حج وادی امن، ص: 34

ابوجعفر که امین مردم خراسان بود، گو اینکه در ابتدای امر كلاف و سکه او را نمی پذیرفت به عذر اینکه اندك است و برای يك سکه نیت وانا كيسه جداگانه ساخت، ولی آن بانو در آن وقت گفت: گرچه مال من اندك است ولی چه کنم سهم امام (ع) است و مرا همین مقدار می رسیده.

ابوجعفر آن مال ناچیز را گرفت، و سکه را برای نشان دار بودنش مقداری کج کرد و در كيسه ای که سکه دیگران را ریخته بود انداخت و از خراسان به مدینه آمد، همین که به محضر امام مشرف شد امانات مردم خراسان را بر حضرت عرضه کرد، امام هیچکدام را قبول نکرد و فرمود: مال ما نیست، اینها را به صاحبانش بازگردان، اما مانعی نزد تو دارم از بانویی به نام شطیطه آن را جدا کن و به من بده.

ابوجعفر كيسه را گشوف و درصدد جستجوی سکه شطیطه برآمد، آن سکه ها را؛ روی هم می غلطاند تا آن را بیابد، امام (ع) خود آن را در آن میان نشان داد و همین طور بقیه ها را گشود و دستمال یا كلاف را نیز تقدیم کرد.

محمد بن علی می گوید، وقتی به وطن بازگشتم تمام صاحبان آن کالاها رافطحی مذهب دیدم آنجا دریافتیم که امام (ع) فرمود: آنها مال من نیست.

حج وادی امن، ص: 35

در این گیر و دار مواظب وضع آن بانو بودم که سیزده روز پس از ورود من به نیشابور در گذشت، ما جنازه او را به صحرا بردیم، در جمعیت انبوهی که در بیابان برای نماز بر جنازه او حاضر بودند مواظب بودم امام را بینم، ناگاه دیدم شترسواری از جانب بیابان آمد از شتر پیاده شد در حالی که سر و صورت خود را پیچیده و پوشیده، بر جنازه نماز گذارد من نزدیک شدم تا بینم امام را شناختم که برگشت و بر شتر سوار شده در صفحه بیابان از نظر غایب شد!!

خواننده عزیز من نمی دانم هم اکنون شما در چه شرایطی هستی؟ آیا این جزوه مختصر را در حالی که در وطن هستی می خوانی، یا در حال آماده شدن برای زیارت خانه خدائی؟ در هر صورت بین درهم کوچکی و کلاف ناچیزی را به خاطر راستی در اعتقاد و اخلاق و اعمال از بانوئی پاك و پرهیزکار و مخلص در برنامه های اسلامی می پذیرند، و از مال خالص خود به پاداش اخلاص او چهارصد درهم می پردازند، بدان که پذیرش اعمال حج از طرف خداوند در صورتی است که در درجه اول از مال پاك و حلال به حج رفته باشی و در جهت بعد در اعمال و کردار و بجا آوردن مناسک حج جز نیت خالص نداشته باشی.

حج وادی امن، ص: 36

آه! اگر در اموال و خرج سفر حجت دره می حرام باشد و در عقیده و کردارت برنامه ناخالصی مخلوط باشد آن وقت است که از حج بهره نبره و از فیوضات ربانی خود را محروم کرده ای!!

قرآن چراغ راه حیات

پس از قرآن

عامل پیروزی

کعبه: مرکز طلوع اسلام

همان طور که در فصول گذشته ملاحظه کردید، ارزش و اعتبار معارف و احکام اسلامی را باید از طریق کتاب الهی قرآن مجید، و اخبار صحیحہ کتب معتبره دریافت.

همچنین باید نقشه پیاده کردن دستورات اسلامی، و سود گرفتن از معارف الهی را از روش و سنت پیامبر و حیات ائمه طاهرین فراگرفت.

ما از چهره آیات تابناک قرآن و مسیری که رهبران راستین طی کردند، استفاده می کنیم که هر مسلمانی در قلمرو فرد و اجتماع اگر احکام و آداب اسلامی را مطابق با شرایط مخصوصش عمل

حج وادی امن، ص: 37

کند، به سودی که در آن دستور برای دنیا و آخرت او قرار داده شده خواهد رسید.

قرآن مجید، و فرامین پیامبر عزیز، و ائمه معصومین علیهم السلام به حق ضامن خیر دنیا و آخرت ملت اسلام است، در صورتی که مردم مسلمان با کمک عقل و اندیشه، و عقیده پاک و راسخ در اجرای آن دستورات کوشش کرده، و با کمال شوق به فرائض الهی توجه نموده از محرمات و گناهان بپرهیزند.

هیچ برنامه ای در آداب اسلامی، چه در قرآن، چه در روایات یافت نمی شود مگر اینکه عمل به آن دارای نفع دنیوی و اخرویست، و نیز برنامه ای در آئین اسلام نیست مگر اینکه ضامن حقوق طبیعی و انسانی آدمی در دو قلمرو فرد و اجتماع است. مطالعه در تاریخ اسلام برای ما روشنگر این واقعیت است، که زمان عمل به برنامه های اسلامی برای ملت اسلام، زمان نور، زمان پیروزی، زمان فتح و غلبه بر مبنای حق، زمان فضیلت و برتری و پرچمداری در همه شئون حیات در بسط زمین بوده و تا آن وقتی که مجری دستورات حق بودند در همه برنامه ها سربلندی داشتند، ولی از هنگام روی گردانی از آداب اسلامی تیره بختی ملت اسلام شروع و زمان ظلمت و ذلت، و اسارت و بیچارگی برای آنان بود.

حج وادی امن، ص: 38

شاید گروهی برای درک روز عزت و ذلت مسلمین به خود زحمت مطالعه در تاریخ اسلام را ندهند، باید از آنان خواست تا چهره فعلی زندگی ملت اسلام را بنگرند شاید به این مسئله اعتراف کنند، ملت اسلام امروز دومین جمعیت روی کره خاک را تشکیل می دهد، از نظر قوای انسانی ملت کوچکی نیست، و از نظر مواد اولیه اقتصادی شاید غنی ترین ملت روی زمین باشند، زیرا بهترین منابع سرشار طبیعی در خاک آنهاست، و از نظر مکتب تربیتی و حقوقی هم به خاطر داشتن

قرآن که مجموعه مقررات صاحب عالم است، و سنت پیامبر و کلمات حکمت بار معصومین در رأس تمام ملل جهانند، ولی با این همه قدرت انسانی و مادی و معنوی، با مشکلات گوناگونی دست به گریبان و فقر همه جانبه از سراسر شعون حیات آنان جاریست، همه با یکدیگر اختلاف داشته و هر جمعیتی برای خود ندای قومیت مخصوص به خاک و نژاد خود دارد، از زنجیر گران استعمار به تمام معنی آزاد نیستند و خود بر پای خود نایستاده اند، با داشتن سه بنیان اجتماعی، مادی، معنوی، دست نیاز به سوی بیگانگان دراز دارند، بینگانگانی که خود عامل ایجاد همه نوع مشکلات در زندگی آنانند، مختصر نویسی اجازه توضیح بیشتری به من نمی دهد در این فصل کتب متعددی نوشته شده که از میان آنها می توان به کتبی که اندیشمندان معروف فعلی اسلام نوشته اند

حج وادی امن، ص: 39

مراجعه کرد، آری اگر گفته شود با عمل به دستورات اسلام زمان عزت بازگشته و سروری بر جهان آغاز خواهد شد با تجربه ای که تاریخ نشان داده سخنی به گزاف نگفته و مسئله غیر حقی را ارائه نداده ایم، امید است به دامن قرآن چنگ زده و در سایه دستورات حق به کیان اسلامی خود برسیم.

اینک به توضیح سرآغاز فصل کعبه مرکز طلوع اسلام ادامه داده و از حضرت دوست می خواهیم که ما را در اجرای فرامین و برنامه هایش یاری دهد.

قرآن چراغ راه حیات

لحظه پر شکوهی که اولین آیه قرآن مجید در حریم کعبه معظمه در مرز سور مبارکه علق بر پیامبر بزرگ اسلام نازل می شد: جهان بشریت در تمام زوایای حیات دچار فساد و گرفتار شیطننت بود.

انحراف در تصور نسبت به مسئله زندگی، سستی عقیده در برابر حقایق مسلم عالم، کژی خلق، بی نظمی در شعون حیات، بدی در عمل، آلودگی در مسائل نفسی، گسیختگی نظام اجتماعی، برنامه هائی بود که در جهان زندگی مهمانان کر خاک دیده می شد.

حج وادی امن، ص: 40

متلاشی بودن نظام خانوادگی، ظلم و بیدادگری در تمام جوانب، قتل و غارت و تجاوز، به اسارت کشیدن انسانها برای اثبات تمایلات حیوانی، روی گردانی از علم و دانش، دو روئی و نفاق، بی عفتی و دزدی، قمار بازی و شرابخواری، تغییر مفاهیم عالی اخلاقی همه و همه مسائلی بود که انسان با آنها روبرو بود.

این کژی ها آدمی را از راه مستقیم زندگی، و حرکت طبیعی بازداشته و به هدف های مقدسی که خلقت آنها در آن جهت قرار داشت ضربه های کاری وی سهمگین وارد آورده بود!!

در این میان ملت عرب از هر ملتی فاسدتر، و در برنامه های زندگی از همه رسواتر، و روزگارشان از تمام جوامع تیره تر بود.

در تمام مناطق عرب نشین مردم مکه از همه فاسدتر و در تیره بختی مقدم تر بودند.

ندای آسمانی، آری ندای آسمانی یعنی وحی، یعنی مقررات خداوندی که به تمام زوایای حیات نظر داشت و در پرتو فراگیری و عمل به آن آدمیزادگان به سعادت، و رشد و تکامل و خوشبختی و به مجد و عظمت دعوت می شدند و در سایه آن موفق به پیاده کردن نقشه جامع انسانیت می گشتند.

حج وادی امن، ص: 41

این ندا از شهر مکه طنین انداز شد، امین وحی از طرف خداوند مهربان بزرگ سفیر حق را مأموریت داد تا بدون وقفه برای نجات بشریت از چنگال شیطان، و اهریمنان در لباس انسانی، و انواع معبودهای باطل و طاغوت قیام کند، دقت کنید که شروع برنامه ها از مکه بوده و بیشتر دقت کنید که يك بار حج خانه خدا باید انوار وحی را در جان و حیات بشری منعکس کند. آن کس که به حج برود و بهره ای بدان صورت که در اسلام است باز نیابد حاجی نیست و به مکه نرفته!! ب

در حریم کعبه از رهبر عالیقدر اسلام دعوت شد تا با کمک قوانین آسمانی در تمام جبهه های حیات انسانی ایجاد انقلاب کند، انقلابی که در سایه آن آدمی بتواند به تمام اهداف خلقت برسد.

ندائی که کنار غار حراء در گوش مبارك قائد عظیم الشان اسلام طنین انداخت ندای الهی بود پیامبر در همان دقائق برخورد با وحی با کمال اطمینان مسئله وحی را دریافت و بدون داشتن هیچ شك و شبهه ای در مسئله بر خلاف گفته های بی

اصلی که در بعضی کتب حتی کتب شیعه به نقل از مآخذ بی اصل آمده، برای نجات انسان از اسارت و تیره روزی از کنار غار حراء

حج وادی امن، ص: 42

حرکت کرد و دعوت خود را از خانه خود شروع و تا سطح و عمق زندگی تمام جهانیان گستراند.

این ندا به نحو تدریج با بیست و سه سال ادامه داشت، در طول این مدت به تمام نیازمندی ها مادی و معنوی بشر پاسخ گفته می شد و انسان را به مسیر هدایت حق رهنمون می گشت، از مجموع مسائلی که محتوای وحی بود کتابی فراهم آمد که به دستور خداوند بزرگ در زمان خود پیامبر به این ترتیبی که هم اکنون هست جمع آوری شد و از آن تحت عنوان قرآن یاد می شود. کتابی که از هر جهت کامل و دلیل بر استحکامش در تمام مسایل خود اوست.

آری مکه معظمه مرکز نزول وحی بود، منبع پخش مقررات الهی بود، مرکز طلوع اسلام، و تابش انوار آسمانی بود. در سوره اسری آیه نهم قرآن مجید از نتیجه وجودش در جامعه انسانی چنین یاد می کند: هان ای انسان این قرآن شما را هدایت می کند به راهی که استوارترین راههای حیات است، و مژده می دهد اجر بزرگی به مردمی که به حق گرویده و دارای کردار پسندیده اند، و نیز از شهر مکه در سوره آل عمران آیه 96 به عنوان مبدئ نور، منبع گسترش هدایت، و مرکز پخش روش مستقیم حیات به تمام جهان و جهانیان یاد می نماید: ان اول بیت وضع للناس للذی

حج وادی امن، ص: 43

بیکه مبارکاً وهدی للعلمین قرآن حکیم نوری بود که از مکه درخشیدن گرفت تا با تاریکی ها و بدبختی هائی که مردم به علت نادانی در زندگی ایجاد کرده بودند به مبارزه برخیزد.

مدت زمانی از نزول قرآن نگذشت که همان مردم وحشی و به دور از حقایق، در سایه مقررات آن با نقشه هائی که برای پیاده کردن دستوراتش از پیامبر می گرفتند برای رهبری امور مادی و معنوی جهان لایق گشتند، و بدون شك اگر پس از مرگ پیامبر بر اثر بقایای ریشه های جاهلی انحرافی در مسیر ایجاد نشده بود اکنون وضع جهان و تاریخ حیات غیر از این بود.

آری در زمان حیات پیامبر ملت قرآن در سایه قرآن دارای اعتقادی راسخ به حقایق، اراده ای استوار، عزمی آهنین، اندیشه ای تابناک، اعمالی شایسته، اتحادی بی سابقه قدرتی فوق قدرتها، دانشی آمیخته با تربیت الهی، بینشی نسبت به

انسان و جهان، عقلی کامل، روشی استوار، طرحی جامع، برنامه هائی عالی در تمام شئون حیات شدند، و با آن سرمایه های کلان که از طریق فهم عمل به قرآن کسب کرده بودند جامعه ای برین و اصولی گشته و علاوه بر حفظ حقوق انسانی خود در قلمرو فرد و خانواده و اجتماع پیشرو جهانیان و پرچمدار ملتها به سوی رشد و تکامل گشتند.

حج وادی امن، ص: 44

خلاصه ملت قرآن در آن روزگار در سایه رهبری مقررات آسمانی تمام عالم را زیر نظر گرفته و آنان که روزگاری بر اثر فقر گرسنه بودند برای سیر کردن و سیراب کردن گرسنگان و تشنگان مادی و معنوی اعلام آمادگی نمودند و هر کجا قدم گذاشتند ملت‌های دیگر برای نجات خود از زیر بار استعمار و استثمار آنان را با آغوش باز پذیرفتند.

پس از قرآن

روزگار عمل به قرآن، برای ملت اسلام بهترین و برترین ایام زندگی آنان بود، زیرا در پرتو اجرای دستورات الهی خیر دنیا و آخرت را تأمین و در تجارتخانه جهان از تمام شئون حیات سود سرشار نصیب آنان می شد.

اما نسل های بعد از صدر اول اسلام، بجز آنان که در مسیر حق ثابت قدم بودند، پس از انحراف برنامه خلافت و رسیدن به ثروت های گران علی الخصوص در زمان حکومت سه امیر قبل از علی (ع) و زمان سلطه بنی امیه و بنی عباس با سرعتی سرسام آور به مفاصد روی کرده و به برنامه های جاهلی برگشته و بالاخره تا به امروز با دست خود زمینه جدائی از قرآن و مفاهیم عالی اسلامی را فراهم آورده و به جای پیشرو بودن در برنامه های انسانی، دنباله رو مسائل مادیگری محض شده و روشن اگر

حج وادی امن، ص: 45

بخواهیم ارزیابی کنیم باید گفته شود دنباله رو برنامه های یهودیت و نصرانیت شده و در مسیر تقلید کورکورانه از دشمنان خدا و انسانیت قرار گرفته اند!!

قشر وسیعی از مردم مسلمان از اسلام جز نامی برای آنان نمانده، و در تمام جوانب حیات از قرآن کریم برکنار مانده و از تابش قرآن در برنامه های حیاتی خود جلوگیری کرده و به قول خود قرآن در سوره فرقان: اتخذوا هذا القرآن مهجورا.

این دور ماندن از حقوق الهی آنان را دچار تیره روزی کرده، و در حریم زندگی به جای خواسته های الهی برنامه های شیطانی جایگزین نموده است.

روی گردانان از قرآن، و تعالیم بلند آسمانی گرچه به ظاهر مسلمانند ولی مبدل به مردمی شده اند که بیشتر به یهودیان و مسیحیان تا به يك مسلمان واقعی شبیهند!!

آنان در تمام افعال و کردار، در محیط خانه و خانواده، در حریم اجتماع همانند یهودی ها و نصرانی ها زندگی کرده و به آنچه آنان مبتلایند اینان گرفتارند، تنها امتیازی که نسبت به آنان دارند اینست که در نام و نام خانوادگی آن هم عده ای از آنان مانند یهودی و مسیحی نیستند، به عبارت روشن تر اکثر مردم

حج وادی امن، ص: 46

مسلمان از نظر نام در شناسنامه و هنگام پر کردن جدول مخصوص تعیین شغل در مقابل پرسش از دین و مذهب مسلمانند، ولی از نظر عمل و روش زندگی همانند یهودی و مسیحی اند!!

در هر صورت دلیل اینکه در کمتر از نصف قرن مسلمانان صدر اول نسبت به مردم جهان پیشرو تمام برنامه های حیاتی شدند، و دارای امتیازاتی گشتند که در ملتهای عالم بی سابقه بود این بود که آنان مقررات الهی را در مرحله اول با واقع بینی عجیبی درک کرده و سپس به اجرای آنها همت گماشتند، و با کمك عقل و اندیشه چنین یافتند که قرآن مجید در تمام مسائل حیات پاسخ گوی نیازمندی های مادی و معنوی انسان است، از این رو خود را محتاج نمی دیدند که برای جبران نیازمندی ها به غیر مکتب قرآن مراجعه کنند.

آری ملت صدر اول در مسئله عقیده، عمل، اخلاق، سیاست، فرد، اجتماع، خانواده، تجارت، معاشرت، آداب زندگی، و خلاصه در کلیه اصول زندگی متکی به قرآن بودند و می دانستند که يك يك دستورات آسمانی نسبت به حیات بشری جاذب تمام مصالح و دافع تمام شرور است، البته اجرای آن دستورات باعث شد از

حج وادی امن، ص: 47

ملتی پراکنده و فقیر، جامعه ای متحد و سرشار از فضائل ساخته شود.

هم اکنون شما ای مردم مسلمان، و جوانان اسلامی، علی الخصوص زائرانی که در کنگره عظیم حج شرکت دارید، یا شرکت خواهید کرف، و در این اجتماع بزرگ می توانید با برجستگان هر ملتی از مناطق اسلامی تماس بگیرید بدانید و

بفهمانید که این قرآن همان قرآن و این مقررات همان مقررات پر ارج اسلامی است، راستی فکر کنید چرا آن روز برای مسلمین روز سربلندی بود و امروز روز رنج و روز مشکلات. مسلم می توان فهمید که آن روز از این سرمایه های معنوی برای بزرگداشت حیات بهره می بردند ولی امروز تنها به تماشای آن و یا به تبرک جوئی به آن مشغولند!! راستی چرا جوامع اسلامی پس از چشیدن این همه تجربه های تلخ هنوز حاضر به برگشت به مرز قرآن و اسلام نیستند؟!

ما اگر با تمام قوا در تمام جبهه های حیات عمل به فرامین الهی را شروع کنیم، و به طهارت ظاهر و باطن پردازیم قوت از دست رفته را باز یافته و رهبر و پیشرو و بلا منازع جهان خواهیم شد ان الارض یرثها عبادی الصالحون.

حج وادی امن، ص: 48

یکی از دستورات اصیل و ریشه دار قرآن که در سایه اجرای آن می توان به پیروزی کامل رسید اتحاد و اتفاق است، مگر در ماه رمضان، ماه عبادت، ماه خدا نبود که در سایه اتحاد و هم بستگی و دلسوزی نسبت به کیان اسلام، ارتش های مسلمان در جنب رمز بدر، با ندای الله اکبر به دشمن خطرناک اسلام و خود یهود و اریابان نشان حمله آورده و در چند ساعت خطی را که جهان تحت عنوان خط بارلو غیر قابل شکست می دانست شکستند و اساسش را درهم ریخت و بنیانش را متلاشی کرده و دشمنان خود و مردم جهان را غرق در اعجاب نمودند، مگر مردم عالم نمی گفتند اسرائیل و کمک دهندگانش قوه شکست ناپذیرند پس چه باعث شد که خط بارلو آن قوه شکست؟! و پرچم عزت اسلام برفراز آن برافراشته شد.

تمام ارزیابان آن معرکه، علت پیروزی را ایمان مردم مسلمان دانسته و راستی همین طور بود، اعتماد به نفس، اتکاء به حق، توجه به يك فرمان قرآن، دشمن را از پای درآورد ولی عقب گرد گروهی از افراد به خاطر ترس از قدرت های بزرگ تر نگذاشت پیروزی کامل نصیب ملت اسلام شود ورنه دشمن به مرگ حتمی رسیده بود و کامش از زهر شکست پر شده بود

حج وادی امن، ص: 49

این امید هست که تمام ملت اسلام بیدار شده و با هشیاری کامل به اسلام بازگشته تا بتوانند دشمنان را مغلوب و پرچم را بر پشت زمین فرو کوبند.

شما ای مردم مسلمان بیائید در سایه اتحاد و اتفاق، و همبستگی و پیراستگی، و کنار گذاشتن اختلافات کلی و جزئی، و دور شدن از آلودگی ها و گناهان، و بازگشت به نیکی ها و روی آوردن به مقررات الهی زندگی را از تیره روزی نجات داده و اساس حیات را بر مبنای فضیلت بنا کنیم.

بیائید از تقلید غلط دست برداشته، و رنگ و شکل یهودیگری و مسیحیگری را از خود زدوده و به واقعیت گرایش پیدا کرده و به حقیقت مسلمان و اهل قرآن شویم.

بیائید هم چون ذرات الکترون که به درو هسته مرکزی خود می چرخد و در سایه این چرخیدن منظم نظام اتمی را حفظ می کند، شئون حیات خود را الکترون وار به دور هسته مرکزی اسلام قرآن مجید به گردش آورده تا از این رهگذر عظمت دیرین را بازیافته و از رذائل نجات پیدا کنیم.

حج وادی امن، ص: 50

در این جا روی سخن با کسانی است که از اسلام جز نامی برای خود باقی نگذاشته و از قرآن جز رسم الخطی نمی بینند آری روی سخن با آنهاست به آنان باید گفت:

شما ای مردمی که از مسلمانی جز ظاهری برایتان نمانده، و تمام هستی خود را در مقابل عوض ناچیزی برایگان در اختیار شیاطین انسی و جنی قرار داده لا اقل به ملت‌های اسیر و استعماری قاره سیاه توجه کنید و ببینید، چگونه دسته دسته و گروه گروه با دست خالی ولی در سایه توجه به حق و به اسلام و قرآن و روی آوردن به فرامین علی بن ابیطالب (ع) با سرعت حیرت آوری مشغول پاره کردن زنجیر اسارت و استعمارند، و از صفر شروع کرده تا در سایه برنامه های اسلامی خود را به مجد و عظمت برسانند آری خداوند ولی و یار مردم مؤمن است یخرجهم من الظلمات الی النور.

اتحاد و هم بستگی در سایه اجرای مقررات اسلامی عالیترین مسئله حیاتی است و بزرگترین رمز پیروزی ملل مسلمان در برنامه های زندگی.

عامل پیروزی

بر اساس قوانین آسمانی اسلام، جامعه پراکنده و متفرق، و ملتی که دارای برنامه واحدی و نظام متقنی در جوانب حیات

حج وادی امن، ص: 51

نیست محال است پیروز و موفق باشد، قرآن مجید یکی از مهم ترین عوامل تحرك و پویائی تاریخ را توده مردم، و به طور کلی ملت می شمارد، و چنین بیان می دارد ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (رعد، آیه 11) همانا خداوند ملت پراکنده و متفرق را پیروز نمی کند مگر اینکه در آن توده وحدت و همبستگی ایجاد شده و همه با هم برای خداوند ادامه حیات دهند، فتح در تمام زوایای زندگی در صورتیست که آنان در برنامه های فردی و اجتماعی در سایه تکیه بر قوانین حق متحد شده و تشکیل امت واحد دهند اینست که فرمان قاطع می دهد واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا (آل عمران، 103)

محمد اسد یهودی اطریشی که به اسلام گرویده در این مورد در کتابش اسلام بر سر دوراهی چنین مینگارد: دین مقدس اسلام یکی از این برنامه ها و دستوراتی که برای همزیستی سالم جوامع اسلامی مکرر گوشزد می نماید مسأله وحدت و همبستگی نیروهای مختلف مسلمانان است.

وحدت و با هم بودن قلوب مسلمانان، آنچنان در نظر قانونگذار اسلام مورد عنایت و توجه است که خداوند بزرگ در قرآنش تألیف قلوب آنان را در ضمن آیه شریفه ای به خاطر اهمیت آن دوبار به وصف نعمت خاطر نشان می سازد جایی که

حج وادی امن، ص: 52

می فرماید: واذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً (آل عمران، آیه 103) نعمت و موهبت الهی را به یاد آورید آن دم که با هم دشمن بودید ولی حق میان دلهایتان پیوند داد و به این نعمت او برادر گشتید.

آئین مقدس اسلام جهت حفظ وحدت و اجرای نظام برادری، اصول و مقرراتی را تنظیم کرده است و همگان را دعوت به اتحاد فرموده، و ایجاد اختلاف و تفرقه را غیر از آثار وضعی و طبیعی آن که موجب ضعف و سستی و پاشیدگی مجتمع اسلامی است یکی از معاصی نابخشودنی دانسته و مرتکب آن را سزاوار مجازات و کیفر سخت می داند.

پیامبر بزرگ اسلام (ص) اساس تشکیلات جامعه اسلامی را روی دو استوانه محکم که یکی کلمه توحید و یگانه پرستی، و دیگر موضوع وحدت کلمه مسلمین در تمام شئون حیات باشد پایه گذاری کرده آنجا که می فرماید: بنی اسلام علی دعائمتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه.

آری این دو برنامه و دو پایه عامل پیروزی ملت اسلام به تمام برنامه هاست، به امید روزی که ملت‌های اسلامی از خواب گران بیدار شده و برای جبران خسارت‌های مادی و معنوی خود به حریم قرآن و دستورات اسلامی روی آورند از همین جا مناسب می بینم

حج وادی امن، ص: 53

خوانندگان عزیز را به مطالعه برنامه حج توجه داده، برنامه ای که یکی از اصول عالی اسلامی است و در سایه اجرای صحیح آن بسیاری از کمبودها جبران شده و مقررات آن به خاطر مجد و عظمت مسلمین تشریح گشته و تأمین کننده خوشبختی دنیا و سعادت آینده ملت اسلام است.

من در این اوراق مختصر در خور استعداد خود روش اجرای صحیح این برنامه عالی را از معاف الهی استفاده کرده و در دسترس زائران خانه حق قرار داده ام، شاید از این رهگذر مسافران این راه بتوانند خود را به خشنودی حق نزدیک کرده و از منافع سرشار مادی و معنوی این امر مهم بهره مند شوند، بر فرد فرد شما مردم مسلمان واجب است که در حدود شعاع حیاتی خود به برنامه های مثبت الهی آراسته شوید و با نیروی انسانی خود بر توانائی حق افزوده و از پیشرفت باطل بکاهید. اگر از اعمال شما جز ظاهری خشک جلوه نکند نه اینکه به توانائی حق کمک نکرده بلکه راه را برای ادامه باطل و گسترش ظلمت باز کرده اید و گناهی برای انسان بالاتر از این نیست که نیروی انسانیش به حق ضربه زده و برای باطل کمک باشد!!

حج وادی امن، ص: 54

جهاد و حج رهبانیت در اسلام

آهنگ سفر

در راه سفر

بیابان مکه

مدینه طیبه

حقیقت موضوع وسیری در اسرار آن

زمینه این بحث از مجموع آیاتی که در سوره های بقره، آل عمران، توبه، ابراهیم، حج، بلد، تین، آمده استفاده شده و برای اینکه خوانندگان عزیز بشتر با قرآن کریم مانوس شوند برای دیدن آن آیات آنان را بقرائت این چند سوره و تعمق در آن دعوت کرده و در اینجا فقط به توضیح و ترجمه و نتایج حاصله از آیات اکتفا می شود.

حج پیاخواستن و گرویدن و آهنگ کردن و آهنگ کردن و پیاخواستن موجودی ناتوان و ذره ای بی مقدار در برابر بی نیاز مطلق چون حق، و گرویدن و گردش عاشق شیدائی در اطراف خانه محبوب.

این آهنگ کردن و پیاخواستن و گرویدن، در میان عبادات دسته جمعی اسلام بزرگترین و باشکوهترین عبادتی است که مردم مسلمان بجای میآورند. این مراسم برای ملت اسلام اگر برابر با تمام شرایط و فرامینش انجام بگیرد بزرگترین رمز وحدت و

حج وادی امن، ص: 55

ی

گانگی، و نشانه کاملی از وارستگی از شئون مادی، و برترین وسیله تحکیم روابط در بین ملل مسلمان میباشد.

آری جمع شدن ثروتمندان، و ممتازان ملل اسلامی از امرا و علما و اشراف و مالداران از تمام نقاط زمین، بقصد ایجاد همبستگی و خبردار شدن از تمام اوضاع حیاتی یکدیگر، و شاهد منافع مادی و معنوی بودن این مهم اسلامی شکوهی بس عجیب دارد و بهترین راه درمان دردها و معالجه بدبختی هاست.

سالی یکبار تا برپا بودن نظام حیات در مرکزی که امنیت آن از هر سو بوسیله مقررات حق تأمین شده، گرد یکدیگر آهم بدون توجه بامتیازات مادی از مهم ترین احکام و آداب الهی در میان آداب است.

البته مسلمانان از لحظه انعکاس نور حق در دلهايشان و از همان هنگامیکه زبانشان بکلم توحید و اقرار بمعارف گردیده، بطرق مختلفی که الله معین فرموده، از قبیل نماز، روزه، جهاد، امر بمعروف، نهی از منکر، تعاون، احسان، تقوی، عدل و داد، محبت، همبستگی و ... بسوی او آهنگ کرده و برای او پیاخواسته اند و بر گرد مرکز این حقایق گردیده اند و در هر مقامی نوعی حج بجا آورده ولی مسئله حج بالخصوص در ماه ذی حجه، در سرزمین مکه و کنار خانه خدا دارای امتیازات مخصوصی است که دیگر

حج وادی امن، ص: 56

احکام الهی آنها را ندارد، چه خوب است که در جنب این واقعیت مسئله حج را از ابتدای قصد مکلف بررسی کرده و تا نقطه پایان اعمال آنرا زیر نظر گرفته و آنگونه که شایسته يك مسلمان واقعی است بتمشایش برخیزیم، شاید شکوه معنوی حج و دیداری از باطن و عمق مسئله انقلابی در عقل و روح ایجاد کرده و از بند جسم رهیده با شاهباز اندیشه وقوت روح بسویش به پرواز آئیم.

جهاد و حج، رهبانیت در اسلام

مرحله نظر انداختن باسرار و رموزات حج از دشوارترین مسائل این موضوع است، ما بخوانندگان محترم خود تضمین نمیدهیم که در این جزوه با نبود سرمایه علمی و معنوی آنان را باسرار و رموزات مسئله بطور صد در صد آشنا کنیم، در این بخش با تکیه بر آیات قرآن و روایات ریشه دار اسلامی و نظریات هشیاران و بیداران راه حق که از طریق عمل و کوشش باسراری رسیده اند، سعی شده بپاره ای از حقایق این موضوع اشاره شود.

البته یکی شدن با آن حقایق و متحد شدن با برنامه های عالی معنوی که در سطور بعد ملاحظه خواهید کرد در صورتی برای انسان میسر است که از بند شهوات غلط آزاد گشته و باندازه ضرورت از برنامه های مادی استفاده کند. و در تمام حرکات و

حج وادی امن، ص: 57

سکنت سعیش این باشد که برای جلب حق قدم بردارد، راستی چگونه ممکن است با غرق بودن در لذائد مادی صرف آدمی از فیوضات ربانی بهره مند شود.

گروهی از مردم سابق برای رسیدن بحقایق ملکوتی دست از دیار و شهر بر میداشتند و از شعون مادی و زر و زیور جدا شده و از آمیزش با خلق کناره گیری میکرده به شکاف کوهها و محوطه غارها پناه میبردند و در حصار رهبانیت قرار میگرفتند، تا بهتر بتوانند با خدای مهربان انس بگیرند و از معنویات بجای تکیه کردن بر لذائد مادی صرف بهره مند شوند!!

در اینجا خواهید گفت آیا عمل چنان گروهی صحیح بوده؟ در پاسخ باید گفت اصل جلب رضای دوست صحیح و فطرت پاک انسانهم از آدمی دعوت می کند از همه چیز جدا شو و بحق راه پیدا کن، و بعبارت دیگر همه چیز را وسیله

رسیدن باو قرار بده، ولی انسان گاهی برای جوابگوئی باین نیاز روحی راه غلط می‌رود و اختراع مسائلی میکند که در خور طبیعت او نیست.

آئین مقدس اسلام که در تمام زوایای حیات با طبیعت انسان هماهنگی دارد و بتمام نیازهای آدمی پاسخ بر خاسته از رهبانیت بآن کیفیتی که اختراع شده نھی فرموده و برای اینکه مردم خواهان فضیلت و معنویات را بکمالات انسانی و فیوضات ربانی برساند

حج وادی امن، ص: 58

برنامه های جالبی ارائه داده اسلام از اینکه انسان برای درك حقایق خود را بمشقت های خلاف حیات انسانی دچار کند نھی کرده و برای او ریاضتهای جالبی که دارای نتیجه فردی و اجتماعی است وضع نموده است.

در مسئله رهبانیت، و سیر و سفر روحی، و پختگی در راه سلوک، از پیامبر اسلام سؤال می کنند که آیا آئین شما هم آدمی را بآن دعوت میکند؟ میفرماید: رهبانیت در آئین من برای دست یافتن بفیوضات ربانی حج خانه حق و جهاد در راه اوست.

آری برای سیر در هر دو مسئله باید از دیار و شهر و خانه و زن و فرزند دور شد و مدت چندی از آنان عزلت گرفت باید در هر دو سفر چشم از زینت دنیا پوشید ولی آنچه از این رهبانیت برای انسان و مجتمع انسانی بدست میآید غیر آنست که در رهبانیت غیر اسلامی برای يك فرد حاصل میگردد. آیا منافع وجودی افرادی مانند سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، حجر بن عدی، میثم تمار، بلال بن رباح، و ... برای انسانیت و عالم حیات با رهبانی و تارك دنیائی از آئین نصرانیت و مرتاضی هندی، و مردی بودائی قابل مقایسه است؟! اینان از هنگام ورود در حصار رهبانیت از خود و اجتماع کاستند و آنان بر خود و مجتمع سرمایه های هنگفت مادی و اجتماعی و تاریخی افزودند.

حج وادی امن، ص: 59

خدای مهربان حج خانه خود را در عوض رهبانیت و انزوا برای ملت اسلام قرار داده تا از مسیر صحیح و قانونی بحریم روحنیت الهی راه یابند.

بزرگ پروردگار خانه خود را مقصد بندگان ساخت و اطراف آن را حرم قرار داده و موقعیت آنرا بزرگ شمرد و عرفات را میدان حرم خود ساخت و چنان در احترام آن خانه و اطرافش سفارش کرد که کسی نتواند در آنجا صید کند و از آن

سرزمین پاك گیاه بیرون آورد، و بسیاری از برنامه های دیگر را منع کرد در این ریاضت بآدمی درس نظم و خویشتن داری می آموزند و زندگی متکی بر نظم سرشار از تمام منافع است.

آنکس که بقصد خانه خدا حرکت میکند، چنانست که بآهنگ زیارت خدا میرود، بنابر این مناسب است با حال بیداری و آشنائی کامل بسمئله حج، کاری کند که در میعاع معین بفیض لقاء حق یعنی مقام قرب او نائل شود، مسلم است که کامیابی از مقام معنوی حق در صورتی میسر است، که آدمی در اخلاص نسبت ببرنامج بکوشد و از اینراه خود را آماده گرفتن فیض کند.

حج. آری هر انسانی از حج برداشت مخصوصی بخود دارد، ولی باید بکوشد که تمام زوایای حال خود را در این سفر با

حج وادی امن، ص: 60

قوانین حق تطبیق داده و از این مسیر خود را بمقامات معنوی برساند.

حج برای مردمیکه مفهوم واقعی آنرا دریابند، نوریست که میتواند جوانب تاریک حیات را روشن کند. مسئله حج قبل از اینکه يك امر عقیدتی یا دستور مذهبی، یا سنت الهی باشد يك فرمان آموزشی و تربیتی است، و يك عامل مهم تحرك در همه شئون وجود.

علی (ع) میفرماید: خدای بزرگ برای فروتنی مردم در مقابل بزرگیش، این خانه را علامت و نشانه قرار داد تا بدینوسیله مردم بسوی او حرکت کنند، خداوند فرمان داد تا ابراهیم مردم را برای طواف آن خانه بخواند و از این ره آورد سود بی نهایت برند.

خانه خدا يك آزمایشگاه است و باید از اولین نفر انسان تا آخرینشان در این مرکز بزرگ در معرض آزمایش باشند.

این خانه از سنگهای سیاه، بی آرایش، بدون زینت بدون نقش و نگار بنا شده تا از طریق ظاهر و باطن و انجام مناسك در حالیکه مردم تمام زینت دنیا را پشت سر گذاشته و بدانجا آمده اند امتحان شوند.

حج وادی امن، ص: 61

قرار داشتن خانه حق در دامنه کوهها، سرایشب دره ها کنار بیابان داغ و صحرائی بدون آب و علف و در میان ریگزار و سنگستان خود یکی از اسرار است، و شاید سر آن این باشد که مردم را با جلب بآنجا از فدا شدن در برابر زرق و برق

های پوچ رهائی دهند و بانان بفهمانند که اگر ما دیگری صرف اساس حیات بود باید آنجا پوشش مادیش از همه جا بیشتر باشد!

آری، این امکان بود که آن خانه را از زمرد سبز، یاقوت درخشان لؤلؤ و مرجان و طلای ناب و نقره فام بنا کنند، اما این ساختمان با توجه به معانی بلند مناسکش میدان سینه را از شیطان خالی کرده و کوشش و تلاش آن دشمن خطرناک را برای از بین بردن شخصیت معنوی انسان خنثی میکند. قرآن در تاریخ حیات عباد حق و عاشقان الهی نشان میدهد که بندگان خدا باید بسختی ها و مشقت ها آزمایش شوند نه براحتیها و خوشی ها.

نیروی نفوذ حج بقدری جالب است که همه جوامع را با آنهمه پیچیدگی سرشت، اخلاق و نژاد و رنگ و ... مانند اسکلت يك ماشين بهم نديك کرده بیکدیگر اتصال و با يك فرمان و دستور همه این اسکلت با عظمت را در يك مسیر و بسوی يك مقصد بجرکت میآورد.

آهنگ سفر

حج وادی امن، ص: 62

امام ششم (ع) میفرماید: چون آهنگ سفر کنی، و از وطن آماده رفتن بحج شوی، قبل از جدا شدن از دیار و شهر دل خود را از هر تعلقی آزاد کن، تمام مهمات خود را به کافی المهمات واگذار، در تمام حرکات و سکنات بر خدای بزرگ تکیه کن، گردن تسلیم و رضا در پیشگاه او خم نما و بتقدیر او خشنود باش.

دست از ما دیگری بشوی، از راحت دنیا چشمک بگیر، از فکر ملك و املاك و تجارت، و برنامه های غیر حق بیرون شو، و در این سفر در اندیشه مباش که حاصل و محصولم چه میشود؟

آنچه در ابتدای این سفر مهم است اینست که هنگام آهنگ حرکت خود را از تمام حقوق خالق و خلق برهانی، و از جمیع مظالم و هر چه از مردم بعهدده تست خود را خلاصی دهی.

راستی باید به این قسمت اخیر از دستور امام توجه بیشتری کرد، گروهی گمان می کنند اگر مقدار مال مربوط بسفر حج را حلال کنند آنهم اگر قابل اصلاح باشد، و حقوق الهی و مردمیش را بپردازند، و یا بدهکارهای مردم و حق الناس را فعلا رضایت بگیرند، در حالیکه توانائی پرداخت دارند بمقصد عالی و نهائی حج میرسند، در حالیکه باید بدانند اگر پشت

سر سفر خود بقیه مال را بھمان حال خلاف حق واگذارند واز عھده حقوق مردم بگریزند و پس از بازگشت بھمان مال و برنامه متصل شوند

حج وادی امن، ص: 63

سیمای حقیقی حج در دل آنان منعکس نشده و از آن فیض عظمی بهره ای نبرده اند، اینان فقط راهی طولانی رفته و سفری پر مشقت را پشت سر گذاشته و با مشتی سوغاتی برای عزیزان خود از آن جایگاه مقدس برگشته اند.

آری شما ای مسلمان و زائران خانه الهی قبل از جدا شدن از وطن به تعهدات مالی، اخلاقی، عقیدتی، علمی، و روحی و مسلمانی خود عمل کنید، آنگاه آهنگ سفر حج کنید تا صفائی که بخاطر عمل بتعهدات در باطن شما آمده بتواند حقایق حج را منعکس کند.

عارف ربانی، حکیم صمدانی مرحوم حاج شیخ محمد بهاری که بحق یکی از رجال برجسته عرفان اسلامی و اخلاق الهی بوده در رساله ای که برای یکی از مخلصین خود در مسئله حج مرقوم فرموده می نویسد: انسان بمعانی بلند حج و بواقعیات این سفر ملکوتی نمیرسد مگر بملاحظه آداب و رسوم حقیقی آن و آنهم اموریست.

1- هر عبادتی از عبادات باید با نیت راستین باشد و بخاطر اجرای امر حق بجای آورده شود تا عبادت باشد.

حج وادی امن، ص: 64

آنکس که آهنگ حج دارد باید در نیت خود تأمل کند هوای نفس را از خود دور نماید ببیند عزمش از این سفر فرمان بردن از امر حق است یا قصدش تحصیل اعتبار در میان مردم، یا اینکه میترسد بخاطر استطاعت اگر حج نکند مردم او را مذمت می کنند، یا اینکه نیتش گردش در مراکز است که تاکنون ندیده، یا بتجارت میروود در هر حال اگر نسبت به نیت خود توجه کند از باطن خود آگاه شده و غرض از حرکت را بدست خواهد آورد اگر اراده اش خدا نیست در اصلاح نیت بکوشد و بداند که قصد رفتن بحرم ملک الملوك را کرده اگر اینگونه برنامه های بیفایده هنوز ریشه اش در دل باقیست بنحو حجالت وارد آن حریم شود نه بطور غرور و عجب شاید مانده های نیست فاسد از دل پاک شود.

2- با بجا آوردن توبه حقیقی خود را آماده برای ورود در مجلس معنوی حق کند و میدانید که توبه واقعی عبارتست از رد حقوق بصاحبان حق، چه در قسمت مال از قبیل رد مظالم، طلب مردم، خمس و زکاه کفارات، یا غیر مال از قبیل غیبت و

اذیت و هتک عرض و سایر جنایات بر مردم که همه را باید حلالیت بطلبد و چه نیکوست که پس از پاك شدن از حقوق توبه ای را که در روز یکشنبه دستور داده اند و در منهاج العارفین نقل شده انجام دهد.

حج وادی امن، ص: 65

پدر و مادر را از خود خشنود ساخته و خلاصه پاك و پاکیزه از خانه خارج شود و حتی تمام علائق غیر خدائی را از خود دور کند و با دلی خالص بحق روی آورد و فرض کند از این سفر برگشتی نخواهد داشت، بنابر این با پرسش از بینایان راه وصیت نامه منظمی تنظیم کرده بگونه ای که بعد از وی وارثانش برنج و مشقت دچار نشوند، آنچنان رفتار کند که اگر برنگشت چیزی بر او نباشد.

3- از برنامه هایکه در سفر دل او را از یاد محبوب باز میدارد بپرهیزد، بدست خود مقدماتی فراهم نیاورد که همتش در سفر مشغول بآن شود. برای خود هم سفرانی انتخاب کند که از ابتدای سفر تا پایانش دیدن آنان او را بیاد محبوب بیاندازد.

4- از مال حلال و خالص برای خرجی سفر برداشته و زیاد هم بردارد در این سفر از خرج و انفاق مضایقه نکند، زیرا خرج در سفر حج چون انفاق در راه اوست در اخبار پیشوایان بر حق آمده که هر درهم خرج کردن در حج مطابق هفتاد، امام سجاد علاوه بر مال توشه زیاد برمیداشتند تا به نیازمندان رسیدگی کند.

5- آماده باشد که با کمال خوش اخلاقی با مردم و هم سفران روبرو شود از حرف لغو و فحش و درشتگوئی بپرهیزد، و بداند که خوش اخلاقی در این نیست که کسی را آزار ندهد بلکه از

حج وادی امن، ص: 66

جمله مراتب اخلاق حسنه اینست که ناراحتی دیگران را تحمل کرده و از صدماتی که از دیگران می بیند عفو کند.

در حدیث قدسی آمده که، خشنودی خود را در جفای خلق پنهان کرده ام آنکس که درصدد جلب رضای من است باید ناراحتی های وارد بر خود را از طرف مردم تحمل کند «1».

6- در این سفر چند برنامه خدائی را قصد کند و بس، حج، زیارت قبور اولیاء حق کوشش در رفع حوائج مردم مؤمن، یاد دادن آداب دین، ترویج مذهب اثنا عشری: تعظیم شعائر الهی، امر بمعروف و نهی از منکر.

- 7- برای خود وسائل تحمل و تکبر فراهم نکند بلکه شکسته دل و غبارآلود بحریم دوست وارد شود.
- 8- از خانه حرکت نکند مگر اینکه خود و هرچه با خود دارد از قبیل زن و فرزند و رفیق و مال بنحو امانت بخالق بسپارد و سعی کند که با کمال اطمینان از خانه خارج شود.

در راه سفر

(1) - مورد این مسئله در روابط بین افراد مؤمن است. نه مؤمن با مخالفین حق زیرا تحمل جفا از مخالف حق خلاف رضای خداوند است.

حج وادی امن، ص: 67

حاجی چون در وطن خود تمام تعهدات الهی و انسانی عمل کرد، و وجود را از مجموع قیودانی که باید آزاد کند آزاد کرد، آهنگ و قصد خود را بتدریج جامه عمل بپوشاند و حرکت بسوی وادی امن را آغاز نماید.

در اولین مرحله اجرای برنامه چون با مال و زن و فرزند، قوم و قبیله، دوستان و آشنایان بخداحافظی برمیخیزد، تصور کند که هنگام انتقال از دنیا با آخرت رسیده و توجه داشته باشد که عامل به تعهد و مسئولیت هنگام سفر خوشحال و فراری از تکلیف هنگام خروج از دیار جهان ناراحت است؛ با یاد مرگ عزم را حزم کند که از آن لحظه ببعد استعداد موت را در خود زنه نماید، و عبارت دیگر بکوشد که خود را آنچه‌چنان برای سفر آخرت آماده کند که لحظه مرگ از همه تعلقات دل بریده و با گذاشتن برنامه های دنیا برای دنیا با دستی پر از معنویت برای ملاقات با حق حرکت کرده و خود را بوطن اصلیش که بهشت است برساند.

در راه سفر با هر وسیله ای که حرکت میکند مواظب باشد با مردم و هم سفران خوشرفتاری کند، آداب معاشرت اسلامی را مراعات نماید، از کردار و گفتار بپرهیزد از کمک کردن بمسافران راه خدا با مال و جان و زبان و دست دریغ نداشته باشد. در طول سفر بیاد ائمه بزرگوار علیه السلام باشد که با لباسی ناشناس با

حج وادی امن، ص: 68

کاروانهایی که آنان را نمی شناختند حرکت کرده تا در هنگام کمک بزائران راحت باشند و بخاطر شناخته شدن مانع از خدمت آنان نشوند.

مردان راه دوست علی الخصوص ائمه طاهرين از سوار کردن و پیاده کردن حجاج، حاجا کردن بار سفر آنان، شستن لباس و ظرف زائر، پهن کردن جای خواب و چادر زدن و جمع کردن آن و یاد دادن مسائل حج هیچگونه مسامحه نداشتند!!

در خصوص این مسئله در يك چنین می خوانیم، حج مزبور و مقبول از آن کسی است که در این سفر خوش کلام باشد و به بینوایان غذا دهد و بآنچه در این سفر خرج می کند اهمیت ندهد، زیرا هر درهم آن معادل هفتصد درهم در راه خداست، با اطمینان خاطر بیاد الهی باشد و در هر حرکت و سکونی شعائر پروردگار را احترام کند، و در تمام موقعیت، بیاد امور اخروی باشد.

بیابان مکه

مسافران خانه حق از هر کجای جهان، با هر وسیله ای که حرکت کنند از نظر امور سفری خصوصاً در این زمان ناچارند وارد جده شوند، ویا از آنجا بناچار بنزدیک ترین میقات رفته با حالت احرام بمکه حرکت نمایند و یا بخاطر وسعت وقت عازم مدینه شده از آنجا برای اعمال حج محرم شدند، در هر صورت

حج وادی امن، ص: 69

دیده زائر اولین بار به بیابانهائی میافتد که در امتداد حرم قرار گرفته، بیابانهائی خالی از آب و علف، بیابانهائی پر از سنگ و ریگ و پستی و بلندی، سبزی خشک مغیلان، آبش سراب، نرمیش سنگ های تیز و درشت، چون نظر زائر بآن سرزمین افتد و آن اوضاع را ببیند و عقاب و مواقیت آن را مشاهده کند، باید در عالم فکر خود چنین تصور کند که گوئی از دنیا رفته و وارد میقات قیامت شده، زیرا با ورود در میقات قیامت هیچ اثری از زن و فرزند و آنچه در دنیا داشته نمی بیند آنجا خود را در دادگاه عدل ملاحظه می کند که بدون دشانتن یار و یاور از او طلب عمل شایسته می کنند. خلاصه دقیقه ورود بآن بیابان اگر روز است آن تصورات را برای خود مجسم کند، و اگر شب یاد تنهائی قبر و سؤال مأموران خدا بیفتد، و با شنیدن سر و صدای حیوانات موذی بیابان بیاد عذاب دردناک حق افتاده و بداند که خدی قهار حاکم بر متخلفان و گنهکاران است.

آری چه در حال پیاده بودن و چه در هنگام سواره بودن در خود فرو رفته و بفکر خویش باشد، لحظه ای بیاد خود آمده و همانجا نظری بمرگ و غربت پس از آن و تنهائی در قبر و قطع شدن از تمام علائق مادی کند، شاید اینگونه تصورات واقعی در روحیه او و در تمام جوانب وجودش ایجاد انقلاب کند و در او مؤثر افتد، شاید با یاد چنین برنامه هائی برقی از عالم ملکوت

حج وادی امن، ص: 70

بجان او زند تا با حرارت آن برق از این سردی و تبلی. و تن پروری و سستی، و سکون در امور معنوی رها شده دستی از او بگیرند و در بقیه عمر حرکتش را بسوی مقصدی بزرگ چون خدای عزیز جهت گیری کنند.

مدینه طیبه

چون وارد مدینه شود، با دیدن آن شهر بیاد آورد اینجا جایی است که خدای مهربان برای پیامبرش اختیار کرد، شهریست که پایان راه هجرت آن حضرت بود، هجرت و فرار از قومی گنهکار و آلوده بسوی مردمی آماده برای هدایت و سعادت.

بیاد آرد مدینه مرکز است که پیامبر بزرگ با تحمل انواع شدائد و سختی ها مقررات الهی را بمردم رساند، جائیست که برای پخش قواعد اسلام حیاتبخش آن بزرگ مرد الهی با هشتاد جنگ روبرو شد، جنگهاییکه مردم ور از انصاف برای متلاشی کردن حقایق ملکوتی با آنحضرت آغاز کردند و پیامبر در برابر آنان مجبور بدفاع بود، مدینه آری مدینه شهری که باید در آنجا هر زائری حساب کند برای تأمین خیر دنیا و آخرتش پیامبر و یاران گرامیش که اندازه زحمت کشیدند:

مدینه جائیکه برای اعلای کلمه حق جوانان و پیرانی در خون خود غلطیدند، مدینه محلیکه برای ترویج اسلام اشکها از دیدگان

حج وادی امن، ص: 71

مادران داغدیده در آن جاری شد، مرکزی که جای قدمی در آن نمی بینی مگر اینکه در آنجا پیامبر راستین و یارانش برای نشر معارف الهی قدم گذاشتند، آری شهری که سالها شاهد عالیترین خدمات صادقانه نسبت باسلام بود.

در آنجا بیاد آر که مظهر عصمت الهی و عفت اسلامی فاطمه زهرا سلام الله علیها با پوششی کامل از جانب قرآن، با جمعی از زنان بنی هاشم پشت پرده مسجد آمد، و برای پخش معارف قرآن و احکام اسلام قیام کرد، و حقوق انسان را بجمعی غاصب آن روز گوشزد فرمود، شهری که از شدت شرم و حیا و عفت و عصمت اسلامی قبر دختر پیغمبر را بطور معین نشان نمیدهد، تا بزنان مسلمان باز هم همانند روزگار خودش درس حجاب و عفت و خویشتن داری و تقوی بیاموزد، بزنان درس بدهد که هان ای زنان مسلمان و دختران جامعه اسلامی شدت اهتمام آئین حق نسبت به پوشش زن از ناخرمان در آن حد است که رضایت بنشان دادن صورت قبر زن را هم نمیدهد تا چه رسد باینکه جنس زن بهر شکل که بخواهد درآید و بهر نحو که خواسته باشد خود را در جمع مردمان ظاهر کند!!

و تو ای مرد مسلمان که اکنون در مدینه ای و خود را جزئی از امت اسلام میدانی، و تو ای زن مسلمان که وجودت را بخشی از

حج وادی امن، ص: 72

پیکره ملت اسلام بحساب میآوری با توجه باسرار و رموزاتی که در جان این شهر است علی الخصوص خطوطی که پیامبر برای تو مرد و زهرا علیها سلام برای تو زن بخاطر برپاداشتن يك حیات پاك بتو نشان میدهد چونی؟

و تو ای پدر مسلمان و مادر مسلمان، و شما ای دختر داران پرونده ای از عمر خود باین دانشگاه بره ای که معلمش پیامبر و مدرسش حضرت زهرا با دیدن آن پرونده تو را بعنوان يك فرد شایسته از امت اسلام امضاء کند؟! افسوس و هزاران افسوس که ...!!

پس از آنکه بمدینه با بصیرت کامل نظر انداختی، و نسبت به شعون آن فکر کردی، آماده شو تا با يك دنیا خشوع و فروتنی بسوی حرم پیامبر حرکت کنی، در آنجا با کمال ادب در برابر پیامبر قرار گرفته برستی و درستی سخن گوی، صدایت را برابر آنجناب بلند مکن با توجه بمعانی و مفاهیم بلند زیارت در برابر او ادب کن، بهنگام برپا شدن نماز جماعت بوسیله برادران مسلمانان از میان صفوف آنان برای فرار از نماز جماعت خارج مشو، با این عمل آبروی تشیع را میر، و با تفرقه انداختن در جماعت مسلمین دل پیامبر را میازار.

حج وادی امن، ص: 73

پس از زیارت پیامبر و شرکت در نماز با شرائطی که فقهاء معلوم کرده اند، بطرف قبرستان بقیع حرکت کن، و با کمال تواضع در برابر قبور ائمه بقیع قرار بگیر. و پیمان ببند که بتمام تعهدات انسانی خود در برابر حریم ولایت عمل کنی، عزم

خود را حزم کن که در تمام شئون زندگی از دستورات ائمه بزرگوار پیروی نمائی، در آن جایگاه مقدس با امام مجتبی، و حضرت سجاد، و امام باقر، و حضرت صادق (ع) عهد کن که ببرنامج های الهی ازگشته و از تمام گناهان چشم پوشی، معاهده کن که راه تقوی پیشه گیری بخصوص در این زمان که از تمام جوانب باسلام و احکام آن حمله می شود سعی کن که برای پاسداری قوانین دین در خانواده و جامعه ات مخصوصاً برای حفظ عفت و عصمت زنان و دختران خانواده ات سخت بکوشی و آنان را از پامال کردن مقررات حق باز داری، شاید بتوانی خود را در دایره امت اسلامی قرار داده نبی اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام را از خود خشنود ساخته و بدینوسیله جلب رضای حق کنی.

میقات

لباس احرام

نیت

حج وادی امن، ص: 74

تلخیص شعار بلند آسمانی

آداب حضور

میقات

کلمه میقات اسم زمان است، که در مراسم حج بر چهار مکان اطلاق شده، و آنهم بخاطر اینست که این چهار مرکز میخواهند بانسان هشدار بدهند وقت حرکت است، هنگام بیرون آمدن از لجن زار مادیگری است آن مادیتی که بشر بدست خود فراهم آورده و قانون را زیر عنوان علم اقتصاد نگاشته و در آن سختی از حقوق بی نوایان، مظلومان، گرسنگان، یتیمان، و ... میان نیامده، اگر باور ندارد بجهان بظاهر متمدن بنگرد و ببیند که چگونه در جانب تمدن و فرهنگ آن گرسنگان بی تقصیر می میمیرند، و اشک یتیمان و بی نوایان از نداشتن مواد اولیه چگونه هایشان میریزد؟!

آری در میقات جان آدمی این ندا را از عالم ملکوت می شنود که دیگر توقف بس است، سکون جا ندارد، ای انسان، ای آدم که خود را هم چون کرم خاکی گرفتار لجن کرده و به این خاطر از تمام فیوضات بی بهره شده ای وقت حرکت است، حرکت به سوی او، به سوی بی نهایت، دانائی، بینائی، رحمت، عنایت، الله

حج وادی امن، ص: 75

ی

عنی صاحب عالم، مالک روز قیامت، عادل، وجود ابدی و همیشگی، وقت حرکت ذره ای ناچیز به طرف بی نهایت عظمت، هنگام بیرون آمدن از منیت و رفتن به سوی حقیقت است.

میقات است، وادی آماده شدن برای ورود در حریم کبریاست، جای عوض کردن لباس ظاهر و پاک شدن از آلودگیهاست، محلی که نور انبیاء مخصوصاً ابراهیم و حقیقت محمدی و جلوه علوی و تمام راهروان راه الهی از در و دیوارش منعکس تا ببینی که تو چونی و چندی آیا آئینه ای یا همچون سنگ غیر قابل تأثر؟!!!

آه، میقات است وقت روی گرداندن از پستی به بلندی و بریدن از تمام آلودگیها و پیوستن به نیکی ها.

لباس احرام

وقت و محل بیرون آوردن لباس است، لباسی که در آن آدمی گرفتار تکبر می شود، جامه ای که در آن آدمی حاضر است در آلودگی ها فرو رفته، و برای بجا ماندنش دچار چه جنایتها که نمی شود؟!!!

جامه ای که انسان مسند نشین به خاطر آن به فرزندش می گوید، اگر نسبت به مقام من از تو اظهار بیجائی شنیده شود سر از بدنت بر می دارم!! لباسی که نادرها به خاطر نگاه داشتنش چشم

حج وادی امن، ص: 76

فرزند از کاسه سر بیرون می کشند، و متوکل ها برای حفظش زبان ابن سکیت ها از پشت سر بیرون می کشند.

جامه ای که بشر در حریم زندگیش برای نگاه داشتن آن چه اندازه دچار ظلم و پلیدی شده، و با آراستنش چه انساها فریب داده، و با جلوه دادنش چه کانون گرم خانواده ها بر هم زده و بر اثر ایجاد زر و زینت نسبت به آن لباس چه آشیانه ها خراب کرده؟!

آری وقت به در آوردن و فرو ریختن این جامه و مکان عوض کردن چنین لباسی است لباسی که گرگ را در چهره ای ظاهر الصلاح و در قیافه آدمی نشان می دهد و بدین وسیله چه کارها که نمی کند.

آری این لباس از تن به در کن و احرام ببند، در جامه ای قرار بگیر که از رنگ و دوخت و شکل و جلوه آزاد است و هیچگونه پلیدی و تکبر و فخر به خود نمی پذیرد.

با دو جامه ندوخته و سپید که آن را احرام می نامند همه همزنگ شوید، متحد گردید تا بدانید همه انسانید و نسبت به یکدیگر مسئول، از هر گه غیر اوست دل بگیرید زیرا آماده

حج وادی امن، ص: 77

حضور می شوید و این لباس رسمی برای قرار گرفتن در پیشگاه اوست.

احرام ببندید تا از من بودن بمیرید و با پوشیدن آن از کبر و نخوت و غرور برهید.

آری در این لباس از کوچکی رها شو و به مرز بزرگی برس، از چنگال شیطان به در رو و با صاحب واقعی ات معامله کن، از حالت نابالغی به بلوغ انسانی خود را برسان.

این دو جامه بر تن کنید تا از تعلق داشتن به رنگ ها برهید، احرام بسته تا از بند شخصیت کاذب خود ساخته و محیط ساخته نجات پیدا کنید.

نیت

پس از پوشیدن لباس احرام در حریم نیت درآی، نیت یعنی قصد، یعنی آهنگ و توجه اما به سوی اولین و آخرین مقصد، مقصدی که بازگشت همه موجودات به اوست آری به او بازگرد، این همه بیراه رفتن بس است، این همه پشت به حقایق

حرکت کردن کافی است، آخر بازگرد، بازگشتی که بازگشتن در آن نباشد، با چنین عزمی سفر بسوی الله را شروع کن، تو خود میدانی که نیت چگونه است؟ آیا بوسیله آن حقیقت این سفر

حج وادی امن، ص: 78

برایت کشف می شود یا فقط دل خوش به لفظی!! نیت عزم است، عزم بر ترك گناه، و قصد است، قصد بر آراسته شدن به حقایق عالی، عزم به نجات خود از آلودگی ها و نجات جامعه از بدبختی و خلاصه نیت یعنی منفجر کردن هسته ذاتی و فطری با کمک نور خدا برای پخش حقیقت و گستردن فضیلت در همه جوانب حیات، آری نیت کن که از بند اسارت شهوت و شکم و لذت های غلط و زودگذر خلاص شوی، عزم را جزم کن تا در دریای رحمت حق خود را شستشو داده از مهالك برهانی.

تلبیه شعار بلند آسمانی

لبیک اللهم لبیک ... پس از آنکه شرایط و آداب حضور را در خود آماده کردی می توانی با این شعار بلند آسمانی آمدنت را به پیشگاه مقدس او اعلام کنی، اما بگونه ای اعلام کن صدایت را بشنود و آمدنت را بپذیرند چون آنجا جای پذیرفتن پاکان است و بس الطیبات للطیبین

بدون شك اگر کسی خود را آراسته به اوصاف آسمانی نکرده باشد ندایش را نشنیده گرفته و به حرکتش نظری نمی کنند!!

لبیک اللهم لبیک آمدنت را در لباس آشنائی و آشتی خبر می دهد، هجرت را از تمام مفاسد و آلودگی ها اشعار می دارد.

حج وادی امن، ص: 79

لبیک ... یعنی نهادم را از تنگنای ظلم و ستم و سرکشی به جهان عدالت و خیرخواهی انتقال می دهم.

در حال گفتن این جملات آدمی پیش خود به معانی متعددی از پاکی، قدس، خضوع، و اجابت به ندای مولایش توجه پیدا می کند.

بر خویشتن مسلم می دارد که به یکتائی او معترف است و او را در ملك و قدرت و فضل و بخشایش و تدبیر یگانه می داند لبیک اللهم لبیک. آری الهی ندایت را قبول می کنم، من در آستان مقدست ایستاده ام، به فرمانت گوش می دهم، به فرمانبرداری از دستوراتت شتابانم، پیمان تو را بدون تردید و تغییری نگه می دارم الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان تو یکتا و بی همتائی، کسی هستی که همگان باید ندایت را اجابت کنند و دعوت را بپذیرند، نهاد همه متوجه تست، صاحب نعمتهای بیشماری، مالک آنچه انجان عزتی هستی که خواری به حریمش راه ندارد، نیروئی هستی که نقصان نمی پذیری، نفوذت به همه جا رسیده، خدائی جز تو وجود ندارد.

آری ای مولای من ندایت را می پذیرم، ستایش و نعمت برای تست و آقائی و بی همتائی درخور توست.

حج وادی امن، ص: 80

اینست معنای تلبیه، با این شعار وحدت و یگانگی پرستندگان خدای یگانه اعلام می شود، البته در صورتی که به حقیقت آن توجه شود.

تلبیه گویان خود را به آسمان نورانی مجرد که در آنجا از ظلمت های مادی، سرکشی های نفس، و امتیازات موجب کبر و دوروئی خبری نیست بالا می برند.

چون تلبیه شعار ایمان است و مقصود از آن اینست که آدمی مصداق واقعی آن شود، و معنایش پاسخگوئی به اوامر الهی است، و از طریقی عنوان ویژه ای در مسئله حج قرار گرفته، چه حج مزایای منحصر به فردی دارد، بنابراین چقدر از ایمان دورند، و چه اندازه چهره باطن آنان زشت است، کسانی که خود را از این حریم عالی دور نگاه داشته و راز خویشتن و جامعه خود را به شیطان وا گذاشته و به دشمنان ملك و ملت می گویند، و در زوایای حیات از شعارهای کثیف آنان پیروی می نمایند، این دون همتان، و پست فطرتان در هر مقامی که هستند در هنگام تلبیه جز به لفظ خشک اتصالی ندارند!!

به راستی این افراد چه اندازه از حقیقت معنای تلبیه بیگانه اند، و لیاقت ایستادن در صف بندگان الهی را ندارند.

حج وادی امن، ص: 81

در هر صورت شما ای مسلمانان، و علی الخصوص زائران خانه حق باید مراقب حقیقت این شعار بوده و به ندای الهی پاسخ مثبت بدهید، و از اجابت دعوت شیطان، طاغوت، شهوت، بیگانگان از حق، استعمارگران، خودخواهان

یهودیان، مسیحیان و هر کس برای شما ضرر دارد خودداری کنید. خود را از بند گران دشمنانی که با خدا و دین و شما ستیز دارند و خود را در لباس دوستی می نمایند آزاد کنید، بیایید به حقیقت تلبیه بگوئید، به راستی به ندای حق پاسخ بدهید، این همه ظاهربینی و سستی و تنبلی بس است، غفلت هم اندازه ای دارد، پیشینیان شما به حق تلبیه گفتند تا حاکم بر جهان شدند، شما هم چون آنان بی آرایش و خالص تلبیه بگوئید تا هم به دعوت خدا پاسخ گفته باشید و هم مانند مردان صدر اول در صف عباد شایسته حق قرار بگیرید آری ان الارض یرثها عبادی الصالحون همانا وارث زمین بندگان پاک و شایسته من هستند.

محرمات احرام

حج وادی امن، ص: 82

چون تلبیه گفتی بیست و پنج چیز برت و حرام می شود حرمت این بیست و پنج مرحله برای اینست که انسان برای رسیدن به عالی ترین درجات بندگی و اخلاص آماده گشته و به حضور مقدس آن حضرت و به مقام قرب آن جناب راه یابد من ضمانت نمی دهم که شما را به اسرار و دقائق این بیست و پنج برنامه آگاه کنم ولی به قول معروف:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

تا آنجا که درخور استعداد ناقص من است مطالبی را با کمک گرفتن از آیات و روایات و نور فکر بیداران راه حق در ذیل هر کدام از بیست و پنج برنامه نگاشته و از عنایت صاحب عالم با کمال ذلت و انکسار می خواهم که در ترجمه این موارد عنایتش را از من دریغ نکند.

1- صید حیوانات

زیرا سنگدلی و بی رحمی در این مسیر مقدس تو را از کاروان حقیقت جدا کرده و نمی گذارد از مفاهیم عالی حج بهره مند شوی، این سفر برای لذت و خوشگذرانی و شکم پرستی نیست:

بیدار باش، تو آن کسی هستی که هم اکنون با کشتی امید به سوی دریای رحمت در حرکتی، و مقصدت اتصال به لطف و

حج وادی امن، ص: 83

کرم اوست. شکار نوعی تفریح است و تو را از تمام آن اهداف باز می دارد. از طرفی آسیب رساندن به جانداران گناه است و از طرف مولایت نمی شده، علاوه بر اینه تو خود اکنون صید عالم معنائی و مجذوب جهان ملکوت و قرار گرفته در دام رحمت، با دنبال کردن حیوانات بیابان برای صید کردن دنباله رو حیوان خواهی شد و تار و پود رحمت را گسسته از آن حریم بلند جدا خواهی شد.

2- نگاه در آئینه

آری در این موقعیت بس عالی و گران، باید چشم انداز تو مقام عالی قرب باشد، و نظر تو متوجه تکالیف و مسئولیت هائی که از طرف حضرت دوست بر عهده تست، چشم تماشا به اوامر و نواهی مولا بینداز و از خود دیدن و خود تماشا کردن و خودبینی دور شو، در هر حال در آنجا به خود منگر که خودی نمانده، تماشای خویش مکن که در جنب او خویشی نیست راستی اگر هم بخواهی به خود بنگری به نقائص و عیوب خود نظر کن و بنگر و ببین که او تو را با این همه عیب قبول می کند یا نه!!

3- بوی عطر

حج وادی امن، ص: 84

در این سیری که برایت پیش آمده از استشمام بوی خوش عوامل ظاهری پرهیز، و جز بوی محبوب و وصالش چیزی مجوی.

از بوی عطر دوری کن تا از یاد زندگی مادی و تجملاتش آسوده بمانی، تو ای انسانی که به گل گشت بوستان یار آمده ای از عوامل معنوی بیوی تا به ترکیه وجودت از تمام آلودگی ها قیام کرده باشی، در این مرحله خود را به پاکان و خوش بویان راه الهی یعنی انبیاء و ائمه و اولیاء حق نزدیک کن تا از منافع این سفر بهره وافر برداری.

4-5-6- لمس بدن زن، بوسیدن، جماع

آری مقدمه این سه برنامه ممنوع نظر کردن و چشم دوختن به زنان است، چه آن زنی که با قواعد اسلامی به انسان حلال است، و چه زنی که مطلقاً برای آدمی ممنوع است، و می دانی که همه جا و در هر موقعیتی از جمله عوامل نزدیک کننده انسان به شهوات جنسی نظر بازی است.

در این مسئله اهل حق تردید ندارند که تماشا کردن چهره و بدن زنانی که پروردگار آنان را نامحرم دانسته سرچشمه و مبدء تمام مفساد خانمان سوز اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی است، انسان غربی گو اینکه زمان مسیحی بودنش هم لامذهب بود ولی

حج وادی امن، ص: 85

این لامذهبی را پس از عصر رنسانس و انقلاب علمی به اوج شدت رساند و فساد را در تمام شئون زندگی جاری کرد از جمله بر خلاف اصول و نوامیس طبیعت زن را به بی بند و باری سوق داد و اعطای این بی قیدی به زن به خاطر این بود که بتواند بدون زحمت در هر فرصتی بدو دسترسی داشته باشد و از راه رسیدن به وصال او بتواند برای ارضای غرائز حیوانیش تا آنجا که ممکن است از او استفاده کند.

ظهور مفساد، و پیدا شدن خیانت های عجیب و غریب، گم شدن جنس مرد و زن در وادی گمراهی، فرار دختران و پسران از محیط خانه و خانواده، پناه بردن به عوامل فساد، پدید آمدن مراکز فحشا و منکرات، لاقیدی و بی بند و باری دلائل بارزی بر غلط بودن روش زندگی غربی نسبت به جنس زن است، عجب تر از واقعه زندگی غریبان تقلید بی جای شرقیان از آنان است که کورکورانه و بدون تعمق در عاقبت کار به دنبال آنان روانند!! می دانید که سراسر ممالک غربی از فساد در تمام شئون حیات در ناله اند و به خاطر متلاشی شدن اوضاع اجتماعی و اخلاقی خود از برکت این بی بند و باری در عزایند.

روابط نامشروع مرد با زن که منتهی به مفساد به برنامه سه گانه ذکر شده در عنوان 4-5-6 می شود در غرب و هم چنین

حج وادی امن، ص: 86

در شرق بازار گرم و رواجی دارد و تنها خدا می داند از این سه برنامه چه زیانها متوجه حیات اخلاق جامعه است.

آری اگر مرد نتواند به نحو نامشروع زن را ببیند، و اگر زن نتواند به هر نحو که بخواهد مرد بیگانه ببیند این همه فساد و فحشا و منکرات بیار نخواهد آمد.

در آئین الهی دستور حجات و پوشش در همه جا و همه وقت برای زن از ضروریات قلمداد شده و منکر آن با علم به ضروری بودنش خارج از اسلام است، و این دستور سدی گرانبها برای جلوگیری از تمام مفاسد خانوادگی و اجتماعی است. در مسئله حج در مرز احرام هر نوع لذت بردن را از زن منع می کند آن هم از همسر خود انسان چه رسد به غیر و در خارج از احرام هر نوع لذتی را از زن نامحرم برای مرد نامحرم و بالعکس ممنوع می کند تا در حج به جز لذت بردن از مقام قرب چیزی به میان نیاید و در غیر حج غضب الهی آدمی را از خیر دنیا و آخرت محروم نکند.

7- پوشاندن روی پا

توجه داشته باش که در وادی مقدسی و به دنبال بنده شایسته حق موسی بن عمران به سوی خدا در حرکت سزاوار نیست در این مقام مبارك از طریق کفش و جوراب و سائر وسائل مربوط به

حج وادی امن، ص: 87

پا دارای زینت باشی، اگر بتوانی با پای برهنه قدم بردار انك بالواد المقدس ورنه از ساده ترین کفش استفاده کن آن هم در حدی که روی پا را نپوشاند تا نهایت تواضع و فروتنی را در پیشگاه کبریائی او رعایت کرده باشی و برای شنیدن ندای محبوب دلربایت از طور قلب سرافراز شوی.

کفش متکبران از پای به در کن، جلال و جبروت مادی را فرو بریز، آهسته قدم بردار، با پای بی صدا حرکت کن تا در آن سکوت ناگهان ندای یا ایتهای النفس المطمئنه ارجعی الی ربك ... را بشنوی.

8- قسم خوردن

قواعد عالی اسلام در شرایط عادی هم انسان را از قسم خوردن منع می کند، مگر در جائی که احتیاج به اثبات حقی باشد، راستی مگر می توان باور کرد که در مسیر برنامه حج به وسیله زائر حقی پابمال شود تا با پیش آمدن ضرورت احتیاج به قسم باشد؟! حاجیان با آهنگی واحد به سوی حریم توحید با کمك ایمان و وحدت در عقیده در حرکتند سخن

آنان جز خدا نیست، آنان حرمت نام دوست را نگاه داشته و در گفتار خود از تکیه زدن بر قسم به نام حق و عاشقان کوی او دوری دارند.

9- انگشتر برای زینت

حج وادی امن، ص: 88

حاجی در حال احرام باید مانند شیء باشد که از رنگها و زیورها و زینتها به دور است، زیرا یار او را بی رنگ و بی تعلق به امور مادی می خواهد.

گرچه انگشتر وزنی ندارد ولی به قصد زینت سنگین وزن می شود و همین سنگینی از سرعت حرکت معنوی می کاهد، مولای مهربان دوست ندارد که هرچه موجب منیت است و نظر کردن به آن آدمی را از حریم قدس منصرف می کند با انسان باشد، بگذار با بدنی آزاد از زینت و روحی پاک از رذائل و عقلی آرام از شوائب به سوی او در حرکت باشی، با حلقه انگشتری خود را حلقه به گوش برنامه مادی مکن، دست از عناصر مادی تھی کن تا از رحمت و عنایت پر کنند.

10- لباس زینت برای زن

می دانید که در غیر برنامه حج زینت کردن زن به لباس گوناگون و سایر ادوات از قبیل طلا و نقره و جواهرات برای محرم خودش و سایر برنامه هائی که حق راضی است بی مانع است، ولی پس از محرم شدن آنچنان زینت ها بر او ممنوع می شود تا بدین وسیله برای مدتی بتواند خود را از مرز مادیت

حج وادی امن، ص: 89

خارج کرده الهی محض شود ولذت بندگی و آزادی بمعنای واقعی را بچشد.

در آن سرزمین پاک باید زنان به ندای بانوی دو سرا فاطمه زهرا سلام الله علیها که هنوز بعد از گذشت چهارده قرن از فضای مکه و مدینه به گوش می رسد توجه کنند که فرمود: بهترین زینت زن حیا و پاکدامنی است و اینکه او را نامحرمی

نبیند، زنان باید همه جا و همه وقت خصوصاً در این سفر خدا را به یاد داشته و بدانند که با جلوه دادن خود و زینت های خود هزاران بلای خائمانسوز برای جامعه به ارمغان آورده و ملتی را غرق در فساد می کند.

آری ای زن در این سفر بیشتر تمرین حیا و عفت کن و به جامعه و نسل جوانش ترحم آر تا بر تو رحم آورند.

11- پوشاندن سر

به هنگام حرکت از میقات تا رسیدن به منزل مقصود هر پوششی برای سر مرد حرام است، کلاه، عمامه، دیهیم، افسر، تاج ... در پیشگاه قدس الهی بر سر نداشته باش و بدان که کبریائی همه جا برانزده اوست و بس، کلاه از سر خود بگیر، سرپوش تکبر بردار، مرغ عقل را از جمجمه غرور و کبر و سر پرشور مادی آزاد کن تا در هوای حقیقت به پرواز آید و برایت کسب

حج وادی امن، ص: 90

معنی کند، راستی این چه ننگی است که عمری گوهر گرانبهای آفرینش در زندان استخوانی سر حبس باشد. حج جای حرکت است و محل آزای از تعلقات، مانعی در راه اندیشه قرار مده و با کمک او به ملکوت عالم به پرواز آید.

12- کندن موی بدن

در این سرزمین، و در حل انجام برنامه های الهی نباید سر موئی از کسی کم شود، با کندن يك موی بدن خود و دیگران جسم آزاده می شود و تا این حد آزار رساندن به نفس خود و دیگران ممنوع است.

با چنین دستوری حس بشر دوستی و ترحم در لطیف ترین مرحله ظهور می کند، و انسان در مسیری قرار می گیرد که از آزدن خود و دیگران حتی به اندازه يك سر مو به پرهیز می آید. شما می توانید در سایر مکتبها چنین قواعدی برای حفظ حقوق گرچه به اندازه يك مو باشد بیابید هرگز، تنها مدرسه ای که به بشر اجازه نمی دهد آلوده به تجاوز شود مدرسه حق و آئین خداست.

13- دروغ و مفاخرت و ناسزا

حج وادی امن، ص: 91

پلیدی دروغ را احدی از افراد انسان انکار ندارد، دروغ اعتماد و اطمینان را از حریم حیات ریشه کن می کند، دروغ ضربه های سنگینی بر پیکر زیست وارد می سازد.

دروغگو در کتاب خدا مورد لعنت و طرد از رحمت قرار گرفته و ممنوع شدن دروغگو از عنایت خدا بارزترین گواه بر پلیدی این گناه است.

دروغ همه جا و در همه وقت از نظر اسلام مگر در موارد خاصی که پای حفظ جان یا مال یا آبرو آن هم به نحو حق در میان باشد ممنوع و حرام است.

اعلام حرمت مسئله در هنگام احرام شاید برای این باشد که زائر با تمرین کناره گیری از این بلا بتواند ریشه آن را از سرزمین وجودش درآورد.

فخر فروشی بر دیگران امریست ناپسند، چون انسانها همه از يك پدر و مادرند، امتیازی برای آنان جز به پاکی و درستی و خویشتن داری نیست، و این پاکی و درستی همه توشه آخرت است نباید برای نیکان و پاکان سبب عجب باشد.

حج وادی امن، ص: 92

شارع مقدس در چهارده قرن قبل با صدای رسا اعلام کرد عرب را بر عجم، سپید را بر سیاه، غنی را بر فقیر و امیر را بر رعیت فخری نیست.

فحش و ناسزاکار مردم بی ایمان و سست بنیان است، در روایات اسلامی آمده که مسلمان زیان بحش و ناسزا ندارد. قرآن مجید در اصول اخلاقی و تربیتی خود مردم را از ناسزاگفتن حتی به دشمنان حق منع کرده، مسلمانی که به وسیله فحش و ناسزا سبب رنجش خاطر دیگران است در ارزیابی پاکان آمده که مسلمان نیست.

راستی سزاوار نیست پس از آنکه جذبه الهی و ندای پاک سفیرش حضرت ابراهیم آدمی را به تماشای معانی بلند آسمانی در سفر حج کشید، دیدگان خود را به رنگی دیگر جز رنگ حق بیاراید.

می دانید که سرمه کشیدن چه برای مرد چه برای زن عنوان زینت دارد و بخاطر جلب توجه بینندگان است، آنجا که آدمی درصدد جلب توجه خداست و می خواهد از رسیدن به نور ازلی بهره مند شود چه جای احتیاج به سرمه کشیدن است.

15- رو گرفتن زن

حج وادی امن، ص: 93

چه کلاس عجیبی است، و چه تربیت فوق العاده ای؟! به مرد می گوید در این اجتماع بزرگ که مرد و زن يك جا جمعند از نظر کردن به صورت زن بپرهیز، و به زن می گوید روی خود را مپوشان.

آنچه مرد را با تمام قدرت به سوی شهوات جنسی می کشد در برابرش آزاد می گذارند و به مرد می گویند حق يك لحظه توجه به آن را نداری و مرد هم برای تکمیل کردن برنامه حج مجبور به پیروی است.

در میان موج دریا تخته بندم کرده دوست

باز می گوید که دامن تر مکن هشیار باش

آری حرم ایمان است، و وادی روحانیت، با استفاده از قدرت ایمان و نیروی روحانی انسان به انسان می گوید در کنار عامل تحريك شهوت به آتش سوزان نفس خود کمربند ممنوعیت بزن!!

ای کاش مردم مسلمان از فرهنگ غرب نجات پیدا می کردند و برای حفظ برنامه های حیاتی به مقررات ثمربخش اسلام بازمی گشتند.

16- روغن مالیدن به بدن

حج وادی امن، ص: 94

در مراسم عالی حج باید تمام کوشش مسلمانان بر این باشد که خود را از عوامل مادی برکنار داشته، و تمام وجود خود را چون ماهی غرق در دریای رحمت حق کند.

اسلام عزیز در تمام شئون حیات از آدمی می خواهد برای خدا باشد و به خاطر خدا زندگی کند، نمازهای یومیه به این خاطر واجب شده که آدمی حتی يك روز از عالم معنی جدا نباشد.

مراسم حج برای اینست که حقیقت این معنی را در آدمی قوی تر کرده و توانائی معنوی را بیشتر کند، در برنامه حج حتی اجازه روغن مالیدن به بدن را نمی دهد تا شامه انسان و پوست بدنش نیز آزاد از عوامل مادی باشد و تماسی جز با برنامه های الهی نداشته و غیر او را نخواهد.

17- زیر سایه بودن

از میقات تا مکه با سر برهنه و زیر آفتاب سوزان حرکت کردن یکی از برنامه های مهم حج است.

در این موقعیت است که انسان به یاد محشر کبری و قیامت عظمی می افتد، راستی چه جای سایه است جائی که سایه ای به

حج وادی امن، ص: 95

جز سایه رحمت حق وجود ندارد و آنچه وجود دارد سایه دیوار گلی و خانه خشتی است.

شاید نکته این دستور برای این باشد که آدمی را از کسالت و تبلی دور کرده و چرخ وجودش را برای فعالیت های عالی انسانی به حرکت آورد.

حاجی از احرام چون قصد حرکت به سوی کعبه کرد، تا در خود قوت و قدرت می بیند حق ندارد زیر سایه حرکت کند.

خود سربرهنگی و قرار داشتن در دو قطعه پارچه سفید، و حرکت کردن زیر آفتاب سوزان عربستان به آدمی حالی می دهد که در جو آن برای انسان سیر در مقامات روحی پیش می آید.

با سر برهنه، دلی شکسته، حالت تنهائی، دوری از زن و فرزند، برکناری از غوغای مادیت به انسان حالی می بخشد که راستی انسان از بیانش عاجز است مسیر مسجد شجره و سایر میقاتها تا بیت حق راهی است که حضرت مجتبی (ع) بیست و پنج بار با پای برهنه، در حالی که تمام وسائل برایش آماده بود برای جلب عنایت خدا پیمود.

18- آزار کردن جانوران

حج وادی امن، ص: 96

می دانید که مسئله حمایت از حیوانات یکی از مسائل مهم دنیای روز و از برنامه های فرهنگ قرن بیستم است، در تمام ممالک روی زمین به پیروی از مقررات غرب انجمن حمایت از حیوانات برپا شده و تربیت شدگان دنیای فعلی با ارائه مقرراتی سخت به حمایت از حیوانات برخاسته ولی در کنار این برنامه و مناطق مختلف روی زمین خاور میانه، ایرلند، کامبوج، ویتنام، آمریکای لاتین، آفریقا ... هر روز دست به کشتارهای دسته جمعی زده و برای به یغما بردن سرمایه های مادی و معنوی ملل ناتوان از هیچ برنامه ای فروگذاری نمی کنند.

راستی انسان متحیر می ماند که به کدام طرف قضیه بنگرد و ناظر کدام يك از این برنامه های پر از ضد و نقیض باشد؟! اینجاست که هر بیداری می خواهد فریاد بزند ننگ بر این زندگی چه اندازه مهم است فرهنگ عالی اسلام که در تماما جوانب حفظ حقوق جاندار و بیجان را دستور داده و از آدمی می خواهد که جانب عدل را در همه برنامه ها رعایت کند.

19- استمناء

اگر انسان بخواهد بدبختی هائی که مردم قرن بیستم بدان گرفتارند شرح دهد از چند جلد کتاب ضخیم تجاوز می کند.

حج وادی امن، ص: 97

عوامل تحريك شهوت و گناه به حدی است که هر حسابگری از برشمردن آن عاجز است.

اکثر مردم جهان در تمام شئون حیات به ناپاکی کشیده شده و به بن بست های مخوفی گرفتار آمده اند.

مشکل ازدواج، طولانی شدن راه تحصیل، دیر رسیدن به موقعیتی که بتواند تشکیل خانواده بدهند، آزاد بودن عوامل شهوت، باز بودن مراکز فحشا به روی آنان و صدها برنامه دیگر آنچنان آنان را به سرگردانی و سرگردانی کشیده که گویا جز در ورطه هلاکت افتادن راه دیگری ندارند.

داستی اگر کارگردانان جهان امروز قائل به حساسی باشند و اقرار به حق داشته باشند و جهان را جهان قاعده و قانون بدانند جواب خدا را از این همه فساد وارد کردن در برنامه زندگی عباد چه خواهند داد؟!!

عمل ناپسند استمنا که در آئین حق در همه وقت از ممنوعات است و حرمت آن هم در برنامه حج گوشزد شده جز زیادهای کمرشکن به ارکان بدن و روح و عقل محصولی ندارد. اباحه این عمل و آزادی این مسئله و عواملی که بدان دامن می زند از میوه های تلخ تمدن جدید است که کمتر جوانی به آن

حج وادی امن، ص: 98

مبتلا نیست؟! آه چه اراده آهنینی لازم است و چه حوصله طاقت فرسائی تا انسان شرف خود را حفظ کند و از این آلودگی در امان بماند؟

اسلام علاوه بر برنامه های متعددی که برای پیشگیری از این کار برای انسان آورده او را در حج تمرین بیشتری می دهد که در حریم تنهائی و دور بودن از زندگی مادی بیشتر بر نفس خود مسلط شده و از منافع معنوی بهره وافترتری نصیب او شود.

20- عقد و شاهد بر آن بودن

ورود در لباس احرام برای اینست که انسان جز به خدای مهربان نیندیشد. و بعد از پیمان با حضرت حق با دیگری پیمان و قرارداد نبندد، آنجا که جلوه حق در میان است آدمی باید شاهد و ناظر حال خود باشد، و بر گذشته غلط خود حسرت خورده به فکر آینده روشنی بیفتد شاید با این انقلاب حال و بریدن از غیر حق اصول سعادت دو جهان خود را تأمین کند.

21- پوشیدن لباس دوخته

به هنگام مراسم حج اگر پوشیدن هر نوع لباسی آزاد بود باز مسئله رنگها و خودنمائیها و مفاخرتها به میان می آمد و مقصود عالی حج عملی نمی شد، یکرنگ بودن لباس و آزاد بودنش از

حج وادی امن، ص: 99

دوخت برای اینست که به انسان بفهماند اکنون که همه در يك لباس هستید توجه داشته باشید که از هر نسل و نژاد، از هر رنگ و ملت و قوم که هستید این جهات باعث هیچگونه امتیازی نیست.

راستی مسئله تبعیضات نژادی چه ننگ بزرگی بر پیشانی فرهنگ قرن بیستم است ای کاش صدای اسلام را می گذاشتند آزاد به همه جا برسد تا متکبران را به خود آورد و خودنمایان را از بالای غرور نجات بدهد.

22- 23- 24- دندان کشیدن، ناخن گرفتن، بیرون آوردن خون از بدن

وقتی زائر لباس احرام پوشید و تلبیه گفت باید از هر جهت متوجه سلامت و امنیت ظاهر و باطن خود باشد، و جز جلب عنایت حق و گرفتن عطای خدا و بیرون آمدن از گناه چیزی در نظر نداشته باشد.

آری هنگامی که حاجی در حریم احرام آمد حق دندان کشیدن و ناخن گرفتن و بیرون آوردن خون از بدن خود ندارد، زیرا همان طوری که باید دیگران از دست او در امان باشند باید خودش هم از دست خودش در امان باشد.

25- حمل اسلحه

حج وادی امن، ص: 100

مسیر حج علی الخصوص از میقات تا حرم و تا پایان اعمال و مناسک آن مسیر امن، و راه سلامت و درستی است، منظره ای ارزنده و نمایشی ارزنده از بهشت جاودانی است. راهیست که کندن موی بدن، درآوردن ناخن، بیرون آوردن گیاه حرم و بسیاری از برنامه ها به خاطر حفظ امنیت ممنوع است.

در این مسیر هر شخصی مجبور به اجرای وظایف انسانی است جای نیاز به اسلحه نیست در این راه بالاترین اسلحه ای که همراه انسان است اراده توآن با ایمان اوست که برای مبارزه با دشمن درونی یعنی نفس اماره و گرگ بیرونی یعنی شیطان و عوامل ضد حق به کار گرفته شده، اینجا بالاترین سلاح دعای مؤمن است و بازگشت او به حق، خداوندا ما مردم مسلمان را به تکالیف انسانی آشنا کن و همه را در انجام فرامین حیاتبخش اسلام و دور شدن از تباه کاری موفق بدار.

وادی امن

بلد امین

پس از احرام و تلبیه و توجه به محرمات احرام کاروان حق با دلی پر از صفا، و دیده ای اشکبار، و نیتی خالص به سوی وادی امن به حرکت می آید.

حج وادی امن، ص: 101

اولین بار که نظر آهنگ کنندگان به شهر مکه می افتد به خاطر می آورند و باید به خاطر آوردند که ه آنجا شهر امن است، یعنی هر کسی در سایه عمل به مقررات عالی حج و تکیه بر ایمان از تجاوز دیگری در امان است و خود هم به فکر ستم و ستمگری نیست، علاوه موقع آنست که خط آزادی از عذاب قیامت را دریافته و از رنج دنیای دیگر هم خود را مصون کند.

آری وارد محیطی می شود که در تمام لحظاتهش باید به رنگ حق بود، حق گفت و حق شنید، حق دید و به سوی حق بازگشت، بازگشتی که در آن بازگشتی نباشد خلاصه حرکت به طرف او را باید آن قدر ادامه داد تا به مقام وصال رسید.

زائر باید در اولین نگاه به مکه به یاد آورد و باید به یاد آرد که اینجا شهریست که خداوند به موجب نیایش ابراهیم محل پناهگاه قرار داده و شأنش را چنان والا گردانده تا آنجا که در ردیف سایر مواضع وحی به آن سوگند یاد فرموده سوگند به طور سینا و این شهر امن.

حاجی با همان حال روحانی وارد محیطی می شود که برای همه چیز محیط امن است، محیطی که درختان و گیاهانش بدون اینکه آنها را با زره پوش در حفاظت قرار داده باشند از تجاوز متجاوز در امان است، حتی شاخه ها و بیخ و بن ریشه ها و بوته

حج وادی امن، ص: 102

ها همه در امانند. حرم چهار فرسخ در چهار فرسخ است و این محیط را خداوند محیط امن قرار داده به حدی که هرگاه شاخه ای از درخت آن محیط به بیرون حرم سر درآورده باشد به احترام اینکه ریشه اش در حرم است نمی توان آن را برید و یا برگه از او چید، و همچنین اگر درختی در بیرون حرم باشد ولی يك شاخه اش سر به حرم آورده باشد به هیچ چیز آن درخت هم نمی توان دست درازی کرد.

محیطی که وحش هامون، و آهوانش چهار فرسخ در چهار فرسخ از تعرض مصونند از این جهت نمی رمند و نمی توان آنها را وحشت زده کرد به طوری که از انسان برمند و در این محل حتی با اشاره چشم هم نمی توان صیدی را رماند!!

محیطی که مرغان هوایش با سواران تماس می گیرند و نمی رمند، با آنکه در پشت کوهها و پهنه دشتها و در همه جای دنیا آدمیان را هم وحشت هست ولی در این منطقه و وادی نیروئی غیبی که امان بخش است حکمفرماست آن چنان که مرغان پناهنده را نیز چنان ایمنی داده که سواران راه مکه در بین کوههای مهیب دست به کاکل آن مرغان می کشند ولی آنها نمی رمند، با آنکه مرغ پر پرواز دارد و پائی هم در گل ندارد که اگر بتسد نتواند پرواز کند.

حج وادی امن، ص: 103

محیطی که از بیرون آن اگر آهویی رو به حرم دارد هر چند به حرم نرسیده باشد نمی توان آن را هدف کرد یا به کسی نشان داد تا هدف کند، حتی با گوشه چشم هم نمی توان به او صدمه رساند و نیز نمی توان با چشم به کسی اشاره کرد تا به آن حیوان آزار برساند.

محیطی که اگر مرغی بر شاخه ای از درختی بنشیند که ریشه آن در حرم روئیده اجازه نیست آن مرغ هدف قرار بگیرد، یا اگر به شاخه درختی نشسته که يك شاخه آن درخت سر در حرم کشیده آن مرغ هدف شود.

محیطی که اگر کسی دسته کبوتری را رم بدهد برای جبران این بی انضباطی باید يك گوسپند كفاره بدهد و هرگاه آن دسته رفتند و به جای خود برنگشتند باید به عدد هر يك، يك گوسپند جریمه بدهد؛ محیطی که اگر در آن از کسی ظلمی صادر شود در حکم الحاد و خروج از حق و به منزله بی دینی است.

محیطی که اگر مال بی سرپرستی کسی جلوی پای خود دید حق برداشتن آن را ندارد، حتی حق انگشت پا زدن به آن هم ندارد!!

حج وادی امن، ص: 104

پس از ورود به چنین محیطی که از آن به عنوان حرم یاد می شود، به تدریج برای انجام مناسک به سوی مسجد الحرام حرکت کرده و برای تماشای آن جایگاه مقدس و انجام مناسکش آماده می شوند زائر در اولین نگاه به مسجد الحرام و خانه کعبه که شکوهی بی اندازه دارد باید لحظات پر قیمت بندگی ابراهیم و اسماعیل را به یاد آورده و برای این به یاد آورد که از آنجا به بعد پشت سر ابراهیم قرار گرفته و همچون آن مرد بزرگ و فرزند عالیقدرش در حریم توحید وارد شود و خود در حد استعداد امکانش ابراهیمی شود، تا از خطوط بندگی و خلوص درعمل تأمین خیر دو جهان کند و پس از بازگشت به وطن همچون قهرمان توحید میدان دار تربیت آنانی شود که در پرتو او زیست می کنند.

درسهائی که باید از تماشای کعبه آموخت

لحظه دیدن کعبه چه لحظه پرشکوهی است، کیست که بتواند به وصف آن لحظه برخیزد، لحظه دیوارخانه خداست، دیداری که در تمام عمر پر قیمت تر از آن را نمی توان یافت در این لحظه است که باید از دیدگاه آیات کتاب خدا به کعبه نظر کرد و از کعبه به ابراهیم، مردی که بانی بنا بود و زیربنای آن را خلوص در عمل و تقوی قرار داد.

حج وادی امن، ص: 105

آری باید به دقت نگرست تا به وسیله این نگرستن ابراهیم را از جو معنوی آن پیدا کرد و پس از یافتن رموز بندگی را از او دریافت و اگر این گونه نباشد زیارت نیست سیاحت است و اینک از شما زائران محترم دعوت می شود که با عینک آیات قرآن به کعبه بنگرید و آنچه را حقاً باید فرا بگیرید فرا گیرید.

واذ جعلنا البيت مثابة للناس وامناً واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی (بقره/ 125)

ترجمه: به یاد آر آنگاه که این خانه را بازگشت گاه و پناهگاه امن قرار دادیم، از مقام ابراهیم جائی را برای نماز انتخاب کنید.

جعل مثابه یعنی بازگشت گاه همانند جعل امامت است که در آیات شریفه قبل از این آیه در حق ابراهیم بیان داشته «1». امامتی که خدا قرار می دهد، برای اینکه دلها به سوی آن متوجه شود و پس از توجه دل عقیده انسان و عمل و

اخلاقش در سایه رهبری امام بر حق مستقیم گردد، تا در نتیجه جهان پر از عدل و داد شود و بساط بیدادگری و ظلم و خیانت برچیده شود.

قرار دادن بیت به صورت مثابه نیز بر طبق کشش نفسانی انسان به محل امن و عدل می باشد، نفسی که طبیعتاً جویای

(1) 1 «واذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمه قال انی جاعلك للناس اماماً»

حج وادی امن، ص: 106

واقعیت است. این جویائی مانند امام جوئی است، و توجه به چنین خانه ای که فطرت حق جوئی و عدل را بیدار سازد از کشش ها و خواسته های درونی آدمی و به سود وی می باشد.

همان طور که مردمی به سوی شهوات و برتری جوئی و محیط مناسب به آن می گرانند، مردمی هم تحت رهبری فطرت و تربیت پیامبران می کوشند تا ارزشهای انسان را بالا ببرند و قوی گردانند و خود را به محیط خیر و حق رسانند. پس این گونه انگیزه تعالی جوئی و برتری خواهی از خواسته های فطرت بلکه یگانه خواسته و جاذبه بشری است، و خواسته و انگیزه های دیگر از ریشه های نفسی و حیوانی بر می آید. للناس در آیه گویا اشاره به همان جهت انسانیت است. این گونه انگیزه ها و مبادی عالی انسانی چون مبتلای به بندها و جاذبه های غرائز مادیست، می کوشد تا خود را از این بند برهاند و به کمالات شایسته خود برساند، از این رو انسان همین که امام را با ابتلائات معنوی و اتمام کلماتش شناخت شیفته او می شود و می خواهد در ولایت او درآید

واذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمه قال انی جاعلك للناس اماماً قال ومن ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین

حج وادی امن، ص: 107

می بینید که ستمگر از این حریم خارج است و بزرگترین ستم بر نفس جلوگیری از شناخت امام و پیشوا است، و آن کس که خود را در حریم بینائی قرار ندهد ستمگر و متجاوز است.

در هر صورت چون خود امام و ابتلائاتش و اتمام کلماتش به صورت ظاهر و جوف ندارد، صورتی از ولایت امام همین خانه خداست که بنا و مناسک و آداب آن معنای امامت ابراهیم را تصویر و تجسیم می نماید، چنان تصویری که نه زیان فکری و اعتقادی و راهزنی مجسمه را دارد، و نه تنها شمائل ظاهری را می نمایاند، و نه تنها مانند کتاب فقط شرح حال است، نه این شهر و این خانه برای اینها و این گونه مقاصد خارج از اصول عالی نیست، این خانه با همه آدابش تصویرپرست که چهره ابراهیم را در عالیترین صورت معنوی دو ضلع ظاهری در خیال ترسیم می کند، و شخص خود را در هنگام اجرای مناسک با ابراهیم هم قدم و هم صدا و با اندیشه های بلند او آشنا می نگرد، و همان کلماتی که از ضمیر ابراهیم برانگیخته شد و صورت و سیرت او به آن مبتلا گردید تا تماش کرد و در ضمیر هر انسانی که به رموز این بیت آشنا شود و واقعیت ابراهیم را در آن بنگرد برانگیخته می شود، آری از این رهگذر باید سالی چند صد هزار یا قریب به یک میلیون انسان ابراهیم وار به تمام نقاط زمین پخش شوند و

حج وادی امن، ص: 108

ندای توحید را با تمام شرائطش چون آن امام بزرگ در عالم پخش کنند ولی افسوس و ... که ...!!

در آن صورت که آدمی متوجه صورت معنوی ابراهیم می شود امامت او قلوب مردم مستعد را پیرو او می گرداند.

مثابه شدن این خانه هم عبارت از خطوط بندگی آن رادمرد بزرگ توحید است، نفوس مستعدی را به سوی آن می کشاند تا در گیر و دار زندگی از دور و نزدیک به سوی آن روی آرند و به آنجا رفت و آمد کنند تا اندک اندک حق و کلمات او بر وجود مردم حاکم شود و نفوس از کشمکش ها و تشویش ها و جاذبه های مختلف و نگرانی ها که از خودبینی و سوداندیشی و برتری جوئی بر می آید برهند و به آرامش و امنیت خدائی گرایند. و امناً

پس از روی آوردن و رفت و آمد بی در پی، چهره حقیقی ابراهیم و قیام او با تمام کلمات و وظائف امامت چهره می نماید و از میان بناء بیت و سنگ و گل آن نقشه ابراهیم ظاهر می شود، همان طور که چهره مردان فداکار و نمونه های غیرت و ملیت، یا پستی و شهوت، عواطف و ملیت و شهوت را بیدار می نماید. چهره ابراهیم در حال انجام مناسک در آئینه روح انسان بیدار منعکس می گردد تا در سایه این انعکاس فطرت حق پرستی و

حج وادی امن، ص: 109

قیام به وظائف انسانی را برانگیزد و در صورت و حال قیام به نماز نمایان و آغاز می گردد و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی.

نظری دیگر به خطوط بندگی

ابراهیم لحظه تماشای کعبه

وعهدنا الی ابراهیم واسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین والعاکفین والرکع السجود (بقره/ 125)

ابراهیم عزیز در محیطی چشم گشود که سراسر آفاق آن را اوهام شرک و ستاره پرستی فرا گرفته بود. بناهای مجلل، هیاکل بتان و ستارگان از هر سو به آسمان کشیده بود و دانشمندان اخترشناس و غیب پرداز که با لباسهای سپید و چهره های مهیب پاسداری این معابد و هیاکل را داشتند، همه قلوب را مسخر خود ساخته بودند. مردم آن سرزمین گرفتار اوهامی بودند که با دانش های آن زمان در هم آمیخته و به تورات و تقلید و تعظیم در نفوس ریشه دوانده بود.

همه طبقات در برابر بت هائی که صورت پیشوایان گذشته، و نقش ربوبیت و تدبیر ستارگان را می نمایاند سر تعظیم فرود می آوردند و پیشانی نیایش به خاک می سائیدند. در چه خاطری جز آنچه همه می دیدند می توانست ببیند؟ و چه نفسی می توانست

حج وادی امن، ص: 110

از بند آن اوهام رهائی یابد و بطلان آنها را دریابد، و چه زبانی جرأت آن را داشت که کلمه مخالفی گوید، و چه اراده ای می توانست در برابر آنها پابرجا بماند؟ آیاتی از کتاب خدا از هر رو ابراهیم و ابتلائات او را روشن می کند، حاصل مضمون آیه 76 سوره انعام اینست: پس از آنکه کلمه حق در وجودش طلوع کرد با پدر خوانده اش یا به تعبیر گروهی از مفسرین عمومیش به محاجه بر میخیزد، اوهام شرک را طرد می نماید و محکوم می کند، قدرت ملکوت آسمان ها و زمین برایش نمودار می گردد تا به مرحله یقین می رسد، آنگاه از آن محیط شرک زا خود را بیرون می کشد، در خلوتگاه خود به بررسی طلوع و غروب و تابش اختران می اندیشد، پس از نمایان شدن ملکوت و ظهور قدرت ربوبی توحید ربوبیت را در می یابد.

آنچه روی مردم آن محیط و عموم مردم را از مبدأ آفرینش گردانده بود شرک در ربوبیت و اتخاذ ارباب بود نه شرک در مبدأ و صانع.

ابراهیم با بررسی طلوع و غروب اختران و مسخر بودن آنها غبار اندیشه های مردم دربار روحانیت و تدبیر و ربوبیت اختران که از اوهام محیط برخاسته بود، از برابر چشمش زائل می شود آنگاه تجلی این حقیقت و گرداندن روی خود را به سوی آن

حج وادی امن، ص: 111

اعلام نمود و خاطرش از اضطراب و ترس بیاسود و به امنیت گرائید، پس از آن از تهدید به خشم خدایان ساخته شده و اربابان بی اثر دیگر نهراسید.

این آیات می نمایند که چگونه کلمه ربوبیت ابراهیم را از محیط شرك تا مقام رؤیت ملکوت و توجیه وجه و آرامش خاطر پیش برد و این کلمه را تکمیل نمود، و کلمه رحمت او را برای رهائی خلق از بندهائی که بر عقولشان بسته و به بندگی غیر خدایشان درآورده بود از آسایشگاه امن و آرامش برانگیخت تا با زبان دعوت و احتجاج پیا خاست و در میان آن گمراهان به راه افتاد، واذ ابتلی ابراهیم ...

آری او پس از آن همه ابتلاء و اتمام کلمات به مقام پیشوائی و امامت برگزیده شد، چنانکه از مضمون آیه و مفهوم لفظ اماماً و اطلاق آن استفاده می شود.

امام نمونه کامل همه کمالات عقلی و نفسانی و بدنی است، و چون همه این خصوصیات و ابتلائات برای مقام نبوت و رسالت بیان نشده باید مقام امام مقامی برتر از نبی و رسولی باشد که کلمات را اتمام نموده و به مقام امامت نرسیده، پس هر نبی و رسولی دارای مقام امامت هم هست، چون بدون رسیدن به این مقام نمیتواند عهده دار رهبری باشد.

حج وادی امن، ص: 112

حال که شایستگی ابراهیم را توجه کردید به توضیح آیه شریفه عنایت کنید تا بیش از پیش به واقعیت مناسک پی ببرید.

مبدأ نور و منبع هدایت

گرچه صورت واقعی و حقیقت امام به مقتضای تقاضای نفوس گاه آشکار است و گاه پنهان، ولی مظهر و صورتی از مقام معنوی و فکری امام همیشه در میان مردم باید محسوس و باقی باشد، یا نقشه امامت که بزرگترین و مؤثرترین نقش رهبری و کمال خلق است به صورت نقش ثابت و پایداری مستقر گردد.

اگر مجسمه امام ساخته شود چنان که برای باقی و زنده داشتن قهرمانان و مفاخر تاریخی و الهام گرفتن از آنان مجسمه می سازند، این خود راهزنی در حریم توحید و حق پرستی و معنا را زیر جسم پنهان داشتن و به صورت گزافیدن و به جاهلیت و گمراهی برگشتن است، که ابراهیم خود برای درهم شکستن مجسمه های آن پیاخاست باید ساختمان بسازد که با تمام شؤنش خطوط بندگی نسبت به حق را به بندگان بیاموزد و صورت امامت و رهبریش را نسبت به انسان ها برای هدایت آنان به سوی حق نشان بدهد. این ساختمان البته باید ساختمانی باشد ساده و بی آرایش و به نام خدا و توحید و پاک از صورت ها و اوهام بشری و نمایاننده فکر و اندیشه و ابتلائات ابراهیم امام و

حج وادی امن، ص: 113

پیشرو، و بر خداست که چنین ساختمانی را با تمام شؤنش حفظ فرماید و تا برپا بودن نظام عالم محافظت کند که با نمایاندن صورت و نقشه امامت آن پیشوایان موحدین حجت بر بندگانش تمام باشد، چنانچه کلمات را بر خود ابراهیم تمام کرد، و چنین ساختمان بی آرایشی بر بسیط خاک برای ابد برپا نمی شود و خطوط عالی بندگی را نشان نمی دهد مگر به دستور و عنایت مقام بلند ربوبی باشد و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل چون ابراهیم و اسماعیل حریم فکر و نفس خود را از آلودگی های دنیای غبارآلود آن روز و از شرك و اوهام و گناه و پلیدی ها پاک و برکنار داشتند و توحید خالص بر آنان تجلی کرد، این تجلی همان عهدی بود که خود به آن تحقیق یافتند و با همین عهد باید حریم خانه ای که به دستور او برپا کرده بودند از هر آلودگی و آثار شرك پاک نگهدارند و نظامات آن خالص برای خدا و تطهیر نفوس باشد.

چنان که هر راه و روشی که به مطلوب برساند عهد محقق می شود که باید شخص سالک همیشه همان راه را در پیش بگیرد و دیگران را نیز بر آن بدارد و موانع را از راهروان بردارد، چون این خانه مضاف و منسوب به ذات مقدس الهی بیقی و مناسک آن ظهور و تمثل همان روشی است که ابراهیم و در پی او اسماعیل پیش گرفتند تطهیر آن از آلودگی شرك و پلیدی ها و

حج وادی امن، ص: 114

انصراف از حق اولین شرط طریق و طریق پیما و مورد و وارد است.

تطهیر خانه خدا و مناسک آن از هر چه ذهن را از توحید منصرف کند و عاطفه و غریزه پرستی را برانگیزد و امنیت داخلی نفسانی و محیط خارج را بر هم زند، تطهیر از همه اینها به سود این گزیدگان و آماده کردن طریق آنان است، و خلاصه این بیت و آداب و واجباتش تا لباس و حرکات و اندیشه حاجی همه از هر جهت باید پاک باشد.

آری بیت باید از همه شوائب و اوهام و شرك و پلیدی پاک باشد للطائفین و العاکفین و الركع السجود گویا این اوصاف چهارگانه ای که در آیه آمده اشاره به مقامات و مراتبی است که ابراهیم پیموده، همین که برای سالک این مسیر، در حریم این عبادات خالص، حق تجلی نمود اراده و اندیشه او را که پیوسته به منافع و شهوات فردیست به حق می پیوندد و مانند اجزاء ریز و درشت جهان بگرد مرکز حق و سود عموم می گرداند.

این حقیقت در عالم صورت، به صورت طواف پیرامون خانه منصوب به دست ابراهیم و منسوب و مضاف به خدا در می آید.

حج وادی امن، ص: 115

چون طواف کننده به دور خانه بر اثر توجه به حقیقت مسئله و کشش روح خانه از جواذب نفسانی و شخصی یکسره آزاد شد و با حرکات دائره ای حق را در هر جانب و هر جهت مشاهده کرد ملازم و معتکف به آن می شد العاکفین یا بنا به گفته آیه سوره حج که به جای (العاکفین) القائمین آورده گویا اشاره به قیام به حق و وظیفه پس از طواف است. آنگاه عاکف یا قائم از نیم یا بیشتر وجوف خود و جهان چشم می پوشد و فانی در پرتو عظمت و قدرت می گردد، و در برابر آن خم شده و برای قرب به آن به صورت رکوع در می آید والركع پس از آن که در انوار عظمت فرو ریخت و یکسره فانی شد به صورت سجده چشم از همه چیز برداشته و سر به خاک می نهد و هستی خود را در برابر اراده ازلی از دست می دهد والسجود.

نظری دیگر به خطوط بندگی ابراهیم و اسماعیل لحظه دیدار خانه حق

زائر همین که از در مسجد الحرام وارد می شود و نظر به خانه خدا می اندازد باید به یاد آورد که: چون ابراهیم و فرزند عزیزش اسماعیل مطابق با عهد خداوندی، آن خانه را پاک و خالص از هر چیز ساخت، از خدای عزیز درخواست برنامه هائی کرف که قرآن مجید در سوره بقره آیات 127-130 خبر می دهد.

حج وادی امن، ص: 116

ربنا تقبل منا ... دعا کردند و درخواست نمودند، دعائی که خضوع و انقطاع آن دو را آشکار می نماید و از راز دلشان پرده بر می دارد، و از زبانشان سر می زند گویا آنان چنان در برابر عظمت و اراده حق مقهور بودند که کار بنا در نظرشان ناچیز بود و نامی آن نمی بردند. درخواست پذیرفته شدن آن عمل را کردند و میدانید تا عمل خالص نباشد نمی توان بر آن درخواست پذیرش هر چیزی به اینست که شخص پذیرا آن را جزء هستی خود نماید و مقصود پیش آورنده را منظور دارد. در این آیه مقصود از درخواست پذیرش گویا اینست که پروردگار این بنا را مشمول ربوبیت ربنا خود گرداند و به سنگ گلی که روی هم چیده و در معرض فناست صورت بقا دهد و در پرتو صفت ربوبیتش مانند ثابتات عالم شود و منشأ تربیت خلق گردد. در اینجا زائر باید به این واقعیت توجه کند و خود را با تمام شئون حیاتش به ربوبیت رب العالمین متصل گرداند تا از تمام فیوضات الهی بهره مند شود.

ربنا واجعلنا مسلمین لك ... خواستند تا یکسره روی آنان از غیر گردانده شود و خداوند آنان را تسلیم خود نماید، و نیز این قسمت از دعا تذکریست از هدف نهائی این بنا و خانه، گویا این نیت و درخواست آمیخته با آب و گل این ساختمان است و روح بانیان را در این صورت مجسم می گرداند تا در تکمیل بنا و

حج وادی امن، ص: 117

مناسك و آداب آن دو فرد کامل و شاخص اسلام و از هر رو تسلیم اراده و اجرا کننده امر خدا شوند و از ذریه او پیوسته مردمی هم فکر و هم آهنگ و به تمام معنی تسلیم به حق تربیت شوند تا مانند همه پدیده های جهان از ذرات تا کرات در محور حق و عدل بگردند.

ومن ذریتنا امه مسلمه لك آری زائر باید در آنجا سعی کند خود را به حریم تسلیم برساند و لذت تسلیم را در ظرف حیات خود و در ذات جانشین تمام لذتها کند، نه اینکه در آنجا به صورت ظاهر تسلیم شده و پس از بازگشت دوباره خود را در برنامه های غیر خدائی وارد کند!!

وارنا مناسکنا وتب علینا از خد می خواهند تا جزء به جزء عبادات و محل های آن را نشان دهد، یا چنان تعلیم دهد که مانند دیدن باشد، بنابراین از آغاز تأسیس بیت همه مناسک طبق فرمان الهی بوده و ابراهیم به آن متعبد گشته، این مناسک

از طواف و سعی شروع می شود و به قربانی که رمز اسلام کامل است تکمیل می‌گردد، و هر يك از این مناسك از طواف و نماز، سعی وقوف به عرفات و مشعر و رمی و ذبح رمز یکی از مراتب تکامل در توحید می باشد.

حج وادی امن، ص: 118

آنگاه از خداوند طلب توبه می کنند و گویا مراتب صعودی تسلیم در مسلمین و تعبد در مناسك و توبه صورت دیگرست از راه برگشت به سوی بهشت و موطن نخستین آدمی که از آن هبوط یافت «1».

تو نیز ای زائر خانه حق آداب حج و برنامه مناسك را آنچنان انجام ده که ابراهیم و اسماعیل انجام دادند، راستی حج به جای آر و به درستی دامن رحمت کبریا را بگیر و خود را برای توبه حقیقی در آن مکان مقدس آماده کن، مسلم بدان که پس از بازگشت به وطن اگر در خط عبودیت به آن معنائی که ابراهیم جلوه داد حرکت نکنی حج بجا نیاورده بلکه در مبارك ترین جایگاه و در حضور بانی هستی دروغی چند گفته و اعمالی را به صورت ظاهر انجام داده و برگشتی!!

اینها حقایقی بود از کتاب بندگی ابراهیم که در لحظه اول دیدار خانه باید به ذهن آوری اکنون برای تماشای بقیه مقامات معنوی با توفیق ربانی حرکت کن و باز در لحظه دیدار خانه بقیه

(1) با اینکه برای توضیح آیات مربوطه به حج در این فصل اخیر نزدیک به نوزده تفسیر در اختیار نگارنده بود، ولی به خاطر اینکه تفسیر شریف پرتوی از قرآن جالب تر از همه حقایق این آیات را منعکس کرده بود از این رو تفسیر این آیات با مختصر تغییری در عبارات از آن تفسیر پر قیمت استفاده شد.

حج وادی امن، ص: 119

آنچه را که باید به یاد آوری یاد آور تا در مسیر تماشای آنچه تماشائی است آن شوی که باید بشوی.

توجه به حقایقی دیگر به هنگام دیدن خانه حق

پس از آنکه زائر در لحظه اول دیدار خود ابراهیم بزرگ را در حریم تسلیم و بندگی خالص تماشا کرد، باید به یاد آورد که آنجا عنوان مرکز بتمام شهرها را به خود گرفته ام القری چه اشعه ایمان و هدایت از همه جای آن به سایر قسمت های زمین

پخش شد، آنجا شرك و گمراهی را نابود کرد و برای انسان بزرگترین مشعلگاه هدایت و رستگاری گردید چنانچه در قرآن مجید آمده: چنین قرآنی عربی به تو وحی کردم تا به آن مرکز شهرها و هر که در اطراف آنست بیم دهی.

آری مکه پایتخت نور، هدایت، امن، اتحاد و همبستگی، علم و فضیلت، نوع خواهی و نوع دوستی، مساوات و برادری، شرف و عفت، حمیت و جوانمردیست هر کس آهنگ آنجا کند باید آهنگ به سوی انسانیت کند، باید خود را در آنجا بدین فضائلی که گفته شد بیاراید، باید آنجا خود را تبدیل به مشعل هدایت کرده پس از بازگشت قومی را هدایت و ملتی را نور بخشد.

حج وادی امن، ص: 120

آهنگ کنندگان باید به یاد آورند، آنجا جایگاه و پایگاه پیشتازانی دلیر بود که به خداوند ایمان آوردند، و در شرایط سختی که برای هیچ قومی سابقه نداشت جان و مال خویش را در راه محبت به حق باختند، شهری که علی رغم تمام حوادث ناگوار آئین وفاداری را بنسبت به آئین الهی نگهداشت و فرزندان مؤمن خود را پس از آوارگی و تبعید به جرم ایمان دوباره در خود پذیرفت و در حالی که فاتحینی پیروز بودند مقدمشان را گرامی داشت آری باید در آنجا درس تحمل و استقامت در عبادت آموخت و آئین در باختن جان و مال را در راه خدا تعلیم گرفت.

مردم چه می دانند که در لحظه دیدار کعبه باید ذهن را به چه برنامه هائی متوجه کرد؟ این مسئله بر عهده کاروان سالارهای ملت اسلام است که هر يك به سرپرستی خود چند صد مرد و زن را با خود همراه میبرند، اگر هم کاروان سالار و حمله دار خود از عهده این مهم بر نمی آید باید مردی بیدار و محققى توانا و انسانی با تقوا و عالم و دانشمند با خود همراه برده تا جمعیت کاروان را به سر منزل مقصود دلالت کند، و نیز بر عهده زائران است به اندازه ای که برای سیر کرن شکم خود، و پر کردن جیب فروشندگان اجناس مادی همت می کنند برای سیراب کردن عقل و روح خود همت کرده و از این سفر روحانی همچون مردان پاك باخته حق پاك باخته به حق شوند، و نیز بر زنان مسلمان

حج وادی امن، ص: 121

فرض است که درس بندگی را از ابراهیم و اسماعیل و هاجر فراگرفته و با تکمیل روح خود به وطن بازگردند. افسوس که جای این چنین کاروان و مردی کاردان و ربانی در کاروان و زائران بیدار و هشیاری مخصوصاً در این سالهای اخیر خالی است!!

اوضاع سفر مرد و زن مسلمان از نظر کمبود برنامه های معنوی راستی جای تأسف است مسئله بی نظمی گروهی از زنان مسلمان در این سفر هر مؤمنی را به شدت متأثر کرده و ملاحظه می کند که این قوم چگونه به برنامه های معنوی این سفر لطمه می زنند.

با اینکه قرآن مجید در متجاوز از بیست و پنج آیه وجوب حفظ زنان را از نامحرمان گوشزف می کند و به مردان هم هشدار می دهد از نظریازی پرهیزند ولی با کمال اسف در بازارهای مدینه و جده و مکه بیشتر زنان مسلمان مخصوصاً ایرانی انگار تمام مردام را محرم خود دانسته به هر شکلی که شهوات آنان اقتضا کند حرکت کرفه در مغازه ها و فروشگاه ها می نشینند و به هر صورت که بخواهند با مردان بیگانه آمیزش و معامله می نمایند، و مردم مسلمان هم گوئی آنها را محرم خود دانسته از نظر

حج وادی امن، ص: 122

کردن به آنان دریغ ندارند، از اینان پرسید که شما به وادی امن آمده و طریق ابراهیم و اسماعیل را می پیمائید؟!!

پیام بزرگ پیامبر اسلام از خانه کعبه به مسلمین جهان

علاوه بر خاطره های شیرین و بیدار کننده ای که از دیدن مکه و خانه خدا در حریم ذهن بیننده بیدار نقش می بندد، با دیدن خانه و منظره عالی مسجدالحرام و جمعیت آن به یاد خاطره دیگری می افتد، خاطره ای که با خیر دنیا و آخرت او بستگی دارد، مرحله ای که در پرتو آن بساط عدل و دادگستری در صحنه حیات پهن شده، و با پیاده کردن طرحی که در آئینه آن خاطره دیده می شوف سفره ظلم و بیدادگری برچیده می گردد، خاطره ای که برای رسیدن به حریم آن تمام نفوس بشر آماده است ولی به خاطر عدم ایمان ضامن اجرا ندارد، خاطره ای که اگر گروهی از مردم مسلمان گرچه کم باشند عمل کنند پشت جهان و جهانیان را به لرزه خواهند آورد، خاطره ای که اگر ملل اسلامی قواعدش را پیاده کنند بر تمام دشمنان پیروز شده و حاکم بر جهان خواهند گشت و غرض از حج هم همین است، پهن کردن سفره عدل، برچیدن بساط ظلم، حاکمیت عادلانه بر جهان، خاطره ای که زائر و حاجی امروز خود شاهد آن نبود ولی با بیاد آوردنش چنان زنده در نظر تجلی می کند که گوئی در آن لحظه مانند مسلمانان صدر

حج وادی امن، ص: 123

اول در ظرف آن خاطره است و آن برنامه عظیم و خاطره بزرگ سخنرانی رسول الهی است که در برابر قریب به صد هزار جمعیت در سال حجه الوداع روز ترویبه در مسجد الحرام ایراد فرمودند.

رهبرگرمی اسلام چهار مرتبه دیگر آن سخنرانی را برای ریشه دار شدن در نفوس تکرار کردند، دوبار در صحرای عرفات و دو مرتبه هم در منی روز دهم و یازدهم.

در آن سخنرانی منشور امنیت عمومی اسلامی را در آن چند جایگاه گوشزد مسلمین فرموده و برای کسانی که آن خطابه را بشنوند و به ذهن بسپارند و به دیگران برسانند دعا کردند.

شما ای زائر مسلمان هر که هستی و هر چه هستی متن آن سخنرانی را در این جزوه بخوان و برای اینکه مشمول دعای پیامبر شوی، دعائی که بدون تردید مستجاب است به ذهن بسپار و پس از عمل به آن به دیگران هم ابلاغ کن.

نبی اکرم صلی الله علیه واله در دعای خود عرضه داشت خداوندا رحمت آور و طراوات و سرسبزی ده آن کس که سخن مرا بشنود و بفهمد و به دیگران برساند.

اصل پیام رسول گرمی حق را کتب مهم اسلامی از جمله:

حج وادی امن، ص: 124

تحف العقول ص 31- خصال ج 2 ص 257- بحار جدید ج 21 ص 380- سیره ابن هشام ج 4 ص 250- تاریخ یعقوبی باب حجه الوداع- تاریخ طبری ج 3 ص 168- جواهر السیره النبویه ص 427- کلمه الرسول الاعظم منعکس کرده دوستانی که علاقه مند به دیدن متن آن هستند می توانند به کتب نامبرده مراجعه کنند، من فقط برای اهمیت موضوع و به خاطر اینکه بیشتر زائران به عربی آشنائی ندارند ترجمه سلیس و روان آن را نوشته، امی است برادران مسلمان مخصوصاً زائران عزیز از پیام پیامبر خود در راه بزرگداشت انسانیت بهترین سود را ببرند.

کنار خانه خدا ایستاد و روی مبارک را به طرف جمعیت کرده و با صدای رسا فرمودند:

خداوند بزرگ را سپاس، حضرتش را ثنا گفته و از او کمک می جوئیم، و بخشش و لطفش را می طلبیم، و به وجود مقدسش بازگشته از شر و خطر نفس و کردارهای ناروا بدو پناه می بریم.

هر کس را که خدا دستگیری کند کسی قدرت ضرر زدن به او را ندارد، و آن کس را که خداوند به خد واکذار منجی و راهبری نخواهد داشت. گواهی می دهم که جز او معبودی نیست و اقرار می کنم که حضرتش را شریکی نمی باشد، و اینکه محمد صلی الله علیه واله بنده و پیامبر اوست مردم من هم بشری هستم میان

حج وادی امن، ص: 125

شما شاید مرا دیگر در این جایگاه نبینید، پس آنچه به نفع شما می گویم بشنوید و اندیشه کنید و به مردمی که در اینجا حضور ندارند برسانید.

1- ای بندگان خدا شما را به خودداری از گناه و فرمانبرداری از برنامه های الهی دعوت کرده و تشویق می کنم و سخنم را با بهترین دستور که تقوا است آغاز می نمایم، ای مردم همانطور که امروز روز محترم و این ماه محترم و این جایگاه مرکز محترمی است، خون و مال و آبروی شما تا روز پیا بودن نظام عالم و برپا شدن محشر محترم است و باید هر کدام از شما نسبت به یکدیگر در این سه امر مراعات یکدیگر را بنمائید، آری ای مردم احترام خون و مال و عرض هم دیگر را نگاه داشته و از تجاوز به این سه برنامه بترسید خداوندا شاهد و گواه باش که فرمان تو را به مردم رساندم.

2- ای مردم هر کس امانتی پیش اوست به صاحبش برساند و در امانت خیانت نکند.

3- ربائی که در جاهلیت معمول بود لغو می کنم و آن را از بین رفته حساب می نمایم، و اول ربائی که پامال می کنم ربای عموم عباس پسر عبدالمطلب است، هر کس پولی به قرض داده و در آن ربا منظور داشته اصل مال خود را بگیرد و نسبت به

حج وادی امن، ص: 126

فرعش چشم پوشی کند، ای مردم نه ستم کنید و نه زیر بار ستم بروید.

4- خون هائی که در زد و خورد های زمان جاهلیت ریخته شده همه را از بین رفته و باطل اعلام می کنم و اول خونی را که هدر می نمایم خون حارث بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب است، که طفلی شیرخوار و از خویشاوندان من بود و قبیله بنی لیث او را کشتند. دیگر درصدد انتقام خون هائی که در جاهلیت ریخته شده بر نیائید، زیرا به حکم خدا انتقام جوئی و کینه حرام و تعطیل است.

5- تمام مناصب زمان جاهلیت، و افتخارات خانوادگی و فخر فروشی به پدران و اجداد و حسب و نسب همه را از بین بردم، هر کس باید متکی به اعمال خود باشد، فقط دو وظیفه باقیست محافظت از کعبه، آب دادن به حاجیان، و انجام این دو وظیفه نیز باید موجب افتخار و خودپسندی گردد و کسی حق ندارد از این راه برای خود عنوانی قائل شود.

6- هر کس بدون جهت و به ناحق کسی را بزند، یا غیر قاتل را بکشد خطاکار و بزرگترین دشمن خداست، و هر کس عمداً کسی را نابود کند باید در عوض کشته شود و در قتل شبه عمد که آلت قتاله سنگ و چوب نباشد یا به قصد کشتن به کار برده

حج وادی امن، ص: 127

نشده باشد قاتل باید صد شتر دیه بدهد و هر کس بیشتر مطالبه کند اهل جاهلیت است.

7- ای مردم پس از پیدایش خانه کعبه و اعلام توحید، شیطان از اینکه کسی را در این سرزمین برای پرستش خودش یا گرایش به بت برگرداند مأیوس شده، اما آگاه بدشی که ممکن است از راههای دیگر آمده و شما را در برنامه های خلاف حق مطیع خود کند، از او بترسید و در برابر کشش او خود را مسلح کنید تا شرش را از خود دفع نمائید، مردم در برنامه های خلاف حق داخل نشوید که ندانسته ابلیس شما را گمراه کند.

8- ای مردم شماره ماهها در کتاب خدا از روز آفرینش آسمان ها و زمین دوازده بوده که چهار ماه آن ذوالعقده، ذوالحجه، محرم، رجب حرام و دارای حرمت و فضیلت است، سه ماه آن متوالی و یکی از آن چهار ماه که رجب باشد تک افتاده و آن بین جمادی و شعبان است، و مردم پس و پیش کردن این چهار ماه برای ادامه جنگ و خونریزی از زیادی کفر است، حرمت این ماهها را نگاه داشته و در آن از جنگ بپرهیزید، آری پیامبر عزیز برای امنیت تمام جهانیان چهار ماه نامبرده را در فصول مختلفه و در تمام نقاط زمین ماه حرام قرار داده و مردم را

حج وادی امن، ص: 128

الزام به آتش بس نموده تا عقلا و خردمندان قوم بتوانند نقشه صلح و مسالمت را توأم با مصالح عمومی اجتماعی عملی سازند.

9- ای مردم شما را درباره زنان سفارش می کنم که با آنان به نیکی رفتار کنید، زیرا آنها امانت خداوندند که شما به گفته حق آنان را بر خود حلال کرده اید، مردم شما را بر زنانان حقی است، و آنان را نیز بر شما حقی است، حق شما بر آنها اینست که بستر خود را فقط برای شما حفظ کنند، و هر که را شما میل ندارید به خانه راه ندهند مگر اجازه بدهید، آنان باید از هرزگی بپرهیزند و خود را برای شما حفظ کنند، اگر سرپیچی کردند خدا به شما اجازه داده بر آنها سختگیری کنید اما در حد و اذن الهی و از بستر آنان کناره جوئید تا تنبیه شده و ادب شوند، البته نه به اندازه ای که به آنان آزار وارد

شود و زخمی برسد و دگرگونی رنگ و پوست به دنبال آرد، پس از آن اگر از روش غلط خود باز ایستادند بر شماس است که حقوق اسلامی آنها را رعایت کنید، خوراك و پوشاكشان را به اندازه متعارف تأمین کرده و با آنها به خوبی رفتار نمائید.

10- آگاه باشید که مسلمانان برادر یکدیگرند، روا نیست مسلمان برادرش را فریب دهد و به او خیانت کند و از او غیبت

حج وادی امن، ص: 129

نموده خونش را بریزد، و مال برادر خود را به ناحق بخورد، آیا حکم حق را رساندم خدایا گواه باش.

11- پس از من به کفر برنگردید، به روی هم شمشیر نکشید، به جان همه نیفتید، چه من برای پایان دادن به نزاع و حل اختلافات داخلی و تمام امور زندگی شما دو چیز در میان شما باقی گذاردم مادامی که به دستور آن دو عمل کنید هرگز گمراه نخواهید شد و آن قرآن مجید و عترت من است خدایا گواه باش که حکم تو را رساندم.

12- مردم تمام مسلمانان از نظر حقوق اجتماعی با همه برابرند، عرب را بر غیر عرب برتری نیست و عجم را بر عرب مزیتی نمی باشد، زیرا خدای شما یکی است و پدر شما هم یکی، پدر شما آدم است و آدم از خاك، هر کس پرهیزکارتر است در پیشگاه خداوند گرامی تر است، آیا ابلاغ کردم خدایا شاهد باش.

13- راجع به حقوق مستخدمین، نوکر و کلفت به شما سفارش می کنم که از آنچه می خورید و می پوشید به آنان بخورانید و بپوشانید و با تمام آنها با مهربانی و خوش زبانی رفتار کنید.

حج وادی امن، ص: 130

14- ای مردم راستی خداوند به هر وارثی بخشی از میراث عنایت فرموده و وصیت در بیش از ثلث مال بر هیچ وارثی نافذ نیست، فرزند مال رختخواب است یعنی کسی حق نسبت دادن زنازادگی به کسی ندارد، و کیف زناکار سنگساری است، آن کس که از بیگانگان پیروی کند، و آن کس که زیر پرچم بیگانه رود و از تبعه غیر مسلمین شود و هر کس که خود را به غیر پدران و نیاکان خویش انتساب دهد و دیگری را به ناحق پدر خود معرفی کند، و هر کس که خود را به غیر مولای خود ببندد ملعون است و لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر او باد، بدانید که خدا از چنین کسی توبه و عوضی را نمی پذیرد.

15- ای مردم همه شما در برابر امر پروردگار و ابلاغ رسول او موظف و مسئولید، باید تمام این برنامه های مرا حاضران به غائبان برسانند، خدایا گواه باش که ابلاغ کردم.

پیام پیشوای موحدین امیرالمؤمنین علیه السلام به اداره کنندگان امور مکه

مسائلی که در فصول قبل گذشت، باید با دیدن شهر مکه و خانه حق به یاد انسان بیاید، و مسلم جز انسان مسئول و متعهد انسان دلسوز و بیدار دیگری به فکر آن مسائل نخواهد افتاد، در هر صورت در میان زائران خانه الهی آن که مسئول اداره امور

حج وادی امن، ص: 131

مردمند، آنان که عهده دار سرپرستی برنامه حجند، آنان که بر مسند حکومت تکیه دارند، حکومت و دولتی که از آن خداست و جز شایستگان از عباد خد حقی برآن ندارند با دیدن شهر مکه و خانه کعبه باید پیام پیشوای عادل علی ابن ابیطالب امیرالمؤمنین را به یاد آورده و از آن پیروی کنند آنجا که به فرماندار مکه قثم بن عباس پیام می دهد: ای قثم ابن عباس فرماندار حجاز برخیز و با مردم حج بگذار و هم چنان که خداوند دستور داده بر انبوه حج گذاران که گرد خانه حق طواف می کنند، و همچون گردابی سهمناک می گردند آیات خدا را تلاوت کن و از حق و حقیقت سخن بگوی.

در آنجا که بیگانگان و دور نشینان از فرسنگ ها راه جمع می شوند، و چادر نشینان عرب همچنان با خوی صحرائی و تربیت قومی قدم در محیط حرم می گذارند و هزاران فکر مختلف در مغز آنان است و هزاران استعداد شدید و ضعیف در نهادشان پنهانست، فرصت خوبی است که حکمران سخن راند و مرام مقدس اسلام را بر اجتماعی چنین رنگارنگ فرو خواند.

تو نیز آن چنان که سزاوار است دامن به کمر زن، و حقایق دین را بیان کن و اصول برابری و مساوات را که سر لوحه قانون مقدس اسلام است خاطرنشان عموم کن.

حج وادی امن، ص: 132

هر بامداد و شامگاه در محضر عدالت و حکومت بنشین و نیازمندان را با فروتنی و تواضع پذیر، و به مظالم و عرایض قوم با کمال دقت رسیدگی کن.

زخار جامه دگرگون مپوشی، و بر در دادگاه حاجب و دربان مگذاری، و در انجام خدمت خود بر دیگران منت ننهی، اگر خدای ناخواسته چنین شود تو را کیفر خودپسندان و متکبران خواهم داد.

خود دربان خویشتن باش و زبانت کار سفیر کند، زیرا کسی که بر آستان عدالتخانه معطل ماند و با دربانان گفت و شنود کند پیداست که دادخواهیش به کجا فرجام خواهد گرفت.

اموالی را که در این مأموریت از مسلمانان به نام بیت المال دریافت می دارید باید به هنگام مصرف، دقیقانه رعایت شود که مستمندان کلفت مند بر همگان مقدم باشند و تا به حد کافی آن بی نوایان از مال الله استفاده نکنند دیناری به بی نیازان نرسد.

آری آن تهیدستان که عیال و فرزند دارند، از بیت المال بیش از دیگران حق می برند.

نمی دایم چگونگی تو را به کوی مستمندان فرستم و دربار فقرای مکه با چه زبان سفارش کنم.

حج وادی امن، ص: 133

وای بر تو اگر شی آسوده بخوابی و در حوزه فرمانداریت تیره بختی گرسنه و هراسان بسر برده شدیداً به اهل مکه اخطار کن که حق ندارند از میهمانان طواف گزار خویش به هیچ نام دستمزد و اجرت بگیرند، زیرا خدای بزرگ در قرآن مجید فرموده: بومی و بیگانه در خانه خدا یکسانند و هیچ يك را بر دیگری فضیلت و برتری نیست.

خوانندگان گرامی این بود شمه ای کوتاه از برنامه ای بزرگ که خدای توانا برای تأمین خیر دنیا و آخرت ملت اسلام مقرر فرموده، امید است تا آنجا که عنایت حق مدد کرده باشد گوشه ای از حقایق این مسئله را بازگو کرده و زائران حق را به مرز پاره ای از برنامه های حج نزدیک کرده باشم. البته پس از ورود به مسجدالحرام مناسک شروع می شود و از طواف تا قربانی روز دهم و اقامت یازدهم و دوازدهم در منی پایان می یابد، برای توضیح هر کدام از برنامه ها مسائل بسیاری در نظر داشتم بنویسم ولی کتاب از حد معمول بیشتر می شد و حمل و خواندن آن برای زائران خارج از حوصله بود از این جهت برای درك اسرار مناسک می توانید به روایت شبلی که در بخش دوم نوشته شده مراجعه کرده و برای درك حقایق بیشتر به کتب مفصل اسلامی رجوع کنید. برنامه این جزوه را با نوشتن شعری در اسرار مناسک

حج وادی امن، ص: 134

از استاد بزرگ، عارف ربانی، مرحوم الهی قمشه ای که خود از خرمن عرفان و حالاتش بهره ها برده ام پایان می دهم.

اسرار مناسك

ای دل اگر میل دیار یار داری	شوق لقای حضرت دلدار داری
قصد حجاز و کعبه دیدار داری	اول زدش نقش سوی الله پاك گردان
احرام بستنی در رهش از جان گذشتی؟	وز دینی دون در ره ایمان گذشتی؟
از هرچه جز یاد رخ جانان گذشتی؟	کانجا شوی در باغ حسن دوست مهمان؟
لبیک گویان آمدی در کوی یاری	کردی در آن درگاه عزت و آه و زاری
گشتی زاشك شوق چون ابر بهاری	تا خار زار دل شود باغ و گلستان
دادی در آنجا بی نوائی را نوائی	یا تشنه را آبی مریضی را دوائی

حج وادی امن، ص: 135

کردی رها مظلومی از رنج و بلائی	بوی به خلقان مهربان چون مهر تابان
با زیر دستان همچو سلطان داد کردی	ویرانه دها ز مهر آباد کردی
دلجوئی از همایه ناشاد کردی	بنواختی محزون یتیمی را به احسان
احرام چون بستنی به کوی عشق ایزد؟	لبیک گفتی دعوت یار سرمد؟ ن یار یایرتنت
گشتی چو محو جلوه آن حسن بی حد	دیدنی درون کعبه دل نور سبحان

دلبړ پسندد قلب پاك و دیده تر	ای حاجیان رفتید چون در کوی دلبر
هنگام پاداش و جزای عدل و احسان	یاد آورید از عهد وصل و روز محشر
مدهوش گردید از تجلای جلالش	ای حاجیان بوسید چون خال جمالش

حج وادی امن، ص: 136

سرمست و مشتاقانه چون موسی عمران	از طور عشق آئید در کوی وصالش
کز وعده دیدار جانان کام گیری	چون جان شود محرم به تن احرام گیری
بوسی حجر خال لب لعل نگاران	وز زمزم چاه زنخدان جام گیری
زادی بجز مهرش در این ره برنداری	کار تن و جان را به ایزد واگذاری
جز طاعتش باش از همه کاری پشیمان	گامی مزین جز بر رضای ذات باری
رنج ره عشق است فیض آسمانی	رنج ار به پیش آید ثمر گنج نهانی
افزای بر حلم و سخا و جود و احسان	جور از رفیقان بینی و نامهربانی
بر خلق بگشا درگه صلح و صفا را	تا می توانی بخشا نوائی بی نوا را

حج وادی امن، ص: 137

نخار جفا بر کن درخت عدل بنشان

از پای مظلومی بکش نخار جفا را

ورود به مسجد الحرام

کردی هم از روزی لقای دوست یادی

چون در حریم قدس عزت پا نهادی

تا ایزدت منزل دهد در بزم خاصان

دل زین سفر از مهر خوبان یافت زاری

رفتی در آن درگاه عزت زار و مضطر

محرم چو گشتی در حریم قدس داور

مقبول آن درگه شدی زانعام سلطان

شد دامنت گلگون زاشک و دیده تر

کردی زیبای افتاده ای را دستگیری

بر سر سفره احسان خود خواندی

ما ملك و عزت بخشدت سلطان خوبان

خشنود و شادان ساختی قلب اسیری

حج وادی امن، ص: 138

غسل احرام

با عاشقان در کوی یار احرام بستی؟

چون غسل کردی تن به آب توبه شستی؟

تا در صف پاکان شوی زین عهد و پیمان

هر عهد بستی غیر عهد حق شکستی؟

در بزم مشتاقان زدی ناب محبت؟
شستی تن از زمزم دل از آب محبت؟
روشن روان گشتی به نور عشق و ایمان
از روزن دل تافت مهتاب محبت؟

ورود به عرفات

خواندی دعا وز پرده دل کردی آواز؟
در وادی عرفات و مشعر محفل زار
چون بلبلان چیدی گلی با آه و افغان
گشتی بدان سلطان کل یا ناله دمساز؟

حج وادی امن، ص: 139

دیدی در آن صحرا عیان غوغای محشر؟ آن آننا
دیدی در آن اعراف و مشعر
یاد از قیامت کن در آن دشت و بیابان
دیدی خلایق را کفن ها کرده در بر؟

مشعر الحرام

ذکر و دعا با اشک و آه و ناله خواندی؟
شب چون به مشعر رفیق و بیدار ماندی؟
بگرفتی از دست دعا زان یار دامان
از دیده بر خاک رهش گوهر فشاندی؟

دیدم خدای انجم آآرای سماوات	شب تا سحر کردی تماشای سماوات
آگه شدی زآه دل شب زنده داران	گشت از عنایت باز درهای سماوات
غمگین فقیری را به احسان شاد کردی	از روز سخت مرگ آنجا یاد کردی

حج وادی امن، ص: 140

تا ایزدت شادان کند در باغ رضوان	جانی زرنج و درد و غم آزاد کردی
شستید زآب دیده گرد حرص و غفلت	آگاه گشتید از هیاهوی قیامت
تا دل شود مرآت حسن پاک یزدان	ترك هوای نفس کردید از ندامت

ورود بمنی

بتراش سر یعنی غرور از سر به در کن	چون در منی رفتی زخودبینی حذر کن
نفس بهیمی ذبح کن هنگام قربان	احرام بشکن جام تقوی ببر کن
درمانده ای از دام رنج و محنت آزاد	بهر خدای کردی فقیری را زغم شاد

حج وادی امن، ص: 141

تا شاد گردد جانت از الطاف رحمان	بر جان مظلومی ترحم کردی و داد
مظلومی از جور و ستم دادی رهائی	همسایه را کردی نوازش با عطائی
تا خواندنت ایزد به باغ خلد مهمان	مظلومی از جور و ستم دادی رهائی

طواف و نماز طواف

بگذار و شو در قلمز توحید غواص	آنگه نمازی با نیاز و سوز و اخلاص
بعد از طواف هفت شوط حکم یزدان	تا چون خلیل الله شوی در محفل خاص
با هروله ذکر و دعا مستانه کردی	سعی و صفا و مروه مشتاقانه کردی؟
با دوست دست افشان به عالم پای کویان	وجدی زشوق روی صاحبخانه کردی؟

حج وادی امن، ص: 142

رکن مستحار

بگرفتی آنجا با فغان و ناله زار	رفتی به رکن مستحار و دامن یار
--------------------------------	-------------------------------

تا دل شود عرش خدای فرد سبحان	از دل برون کردی دو عالم را به یکبار
دل از وفا خلوتگه سبحان نمودی؟	جان از صفا آئینه جانان نمودی؟
دل ساختی آئینه حق کعبه جان	بر نفس کافر عرضه ایمان نمودی؟

دخول کعبه

بگزیدی از جان طاعت و شوق خدا را	در کعبه بشکستی بت نفس و هوا را؟
تا یار بنوازد تو را در باغ رضوان	بگرفتی آنجا عزم تسلیم و رضا را

حج وادی امن، ص: 143

اخلاص خاص عاشقان ادراك کردی؟	آنجا زغیر حق دل و جان پاك کردی؟
درد تو را کرد آن طبیعت عشق درمان؟	شرك و نفاق و شید را در خاک کردی؟
در عرش رحمان از صفا منزل گرفتی؟	از کعبه تن را ره بکوی دل گرفتی؟
در گلشن رضوان شدی زین تیره زندان؟	رنگ گناه از این دل غافل گرفتی؟
چون عاشقان کردی به کوی دوست منزل	از کعبه جسم آمدی در کعبه دل
تا سازدت حسن ازل چون ماه کنعان	آئینه دل گشت با رویش مقابل

وداع بیت الله

وقت وداع خانه صاحبخانه دیدی؟

وز دیده جان طلعت جانانه دیدی؟

حج وادی امن، ص: 144

در بحر عشق آن گوهر یکدانه دیدی؟

عهدش دگر مشکن به مشکین موی جانان

مسجد خیف

در مسجد خیف وصال یار رفتی

از خوف حق با دیده خونبار رفتی

چون عاشقان آنجا پی دیدار رفتی

با حمد و تسبیح و دعا و ذکر سبحان

رمی جمره

رمی جمره کردی زدی بر دیودون سنگ

هم بر سر نفس شریر پر فسون سنگ

انداختی بر فرق دنیای زبون سنگ

تا جانت ایمن گردد از آفات دوران

کردی به راه دوست آهنگ ریاضت

ابلیس را راندی بدان سنگ ریاضت

حج وادی امن، ص: 145

کز نفس اهریمن رهی با لطف یزدان

دادی زمام نفس در چنگ ریاضت

چون قدسیان بر عرش سلطان یگانه؟

گرد حرم کردی طواف عاشقانه؟

بوسیدی آن سنگ نشان کوی جانان

با یاد حق کردی به فردوس آشیانه؟

ذکر و نمازی در مقام خاص کردی

غسلی به آب زمزم اخلاص کردی؟

همچو خلیل الله عشق پاک ایمان

روشن دل از توحید خاص الخاص کردی؟

ورود به مدینه

پر نور از آن سینای عشقت گشت سینه؟

بعد از وداع کعبه رفتی در مدینه؟

تا جام می نوشی زدست حور و غلمان

بشستی به آب توبه حرص و حق و کینه؟

حج وادی امن، ص: 146

کردی شهود حسن یکتا دلبر عشق	رفتی چو در یثرب بر پیغمبر عشق
کردی دل از اشراق آن شه عرش رحمان	آنجا زدی ناب طهور از کوثر عشق
از حسن روی مجتبی جان گشت گلشن	از زهره زهرا دلت گردید روشن
تا ایمن آبی از فریب نفس و شیطان	بگرفتی از سجاد ذکر و حرز و جوشن

ائمه بقیع

و آن سید سجاد فخر انس و جان را	دیدی امام مجتبی سلطان جان را
وان حمزه عم مصطفی شاه شهیدان	و آن باقر و صادق امام راستان را

حج وادی امن، ص: 147

شهدای احد

از هجر خوبان ناله و فریاد کردی	آنجا شهیدان احد را یاد کردی
کز دام ارکان پرفشانند طایر جان	جان را زقید آب و گل آزاد کردی
راز دلی با آن دو طل ناز گفتی	با آن دو دلبند پیمبر راز گفتی

از روزگار امت و حال پریشان	یعنی به ابراهیم و قاسم باز گفתי
نالان ندور آن دو سرو ناز گشتی	با آن دو طفل مصطفی همراز گشتی
گفتی غم دل را به آن بانوی امکان	با مادر شیر خدا دمساز گشتی
عهد خود و صدق و صفای دل نگهدار	باز آمدی چون از حریم حضرت یار
چشم ملك گردد در آن آئینه حیران	تا دل شود آئینه آن ماه رخسار

حج وادی امن، ص: 148

باشید در بیت الله دل یا درویش	باز آمدید ای حاجیان هرگه زکویش
تا شام تار حجر یار آید بیابان	سازید دل آئینه روی نکویش

رجوع به وطن

پیوسته نقش دیده دل کن رخ یار	چون در وطن بازآمدی ای جان هشیار
مشکن تو عهد دوست را از امر شیطان	عهد خدا را ای بنی آدم نگهدار
خواهر سفر کردن به ملك جاودانی	چون از مسافرخانه دنیای فانی
ای مرغ لاهوتی بیال علم و ایمان	بر شاخه طوبای جنت پرفشانی

ساز آنچه بتوانی دل غم دیدگان شاد

خواهی شوی در هر دو عالم از غم آزاد

حج وادی امن، ص: 149

یوسف جانت رهد زین تیره زندان

بسیار کن از رفتگان این سفر یاد

پاداش نیکو در دو عالم بازجوئی

چندان که با خلق خدا کردی نکوئی

تا چون ملك در باغ خلد آئی حرامان

بگزین چو پاکان جهان افرشته خوئی

تا پاك ایزد در بیابانت دهد باز

گفتند رو نیکی کن و در دجله انداز

پند حکیمان بهتر از لعل بدخشان

آموز زاهل معرفت این گوهر راز

وز گبرودار برزخ و روز ملامت

دایم کنید ای غافلان یاد از قیامت

شوئید زآب دیدگان اوراق عصیان

ریزید بر خط خطا اشك ندامت

حج وادی امن، ص: 150

حج مشتاقان

آداب و حکم کعبه جانان همین است

گفتار کوتاه حج مشتاقان همین است

سجاد و صادق را حدیث ایجان همین است	عشق این مناسک گفت و شرع عرش بنیان
اسرار حج عاشقان نظم الهی است	سرّ ازل وحی ابد بر وی گواهی است
صیت شرف زین خامه تا به ماهی است	بگرفته ز آدم تا به خاتم عشق پیمان

مناجات با خدا

یا رب به سراسر ذات بی مثال	روشن دلم گردان به اشراق جمالت
عمریست دل دارد تمنای وصال	با یک نظر درد فراقم ساز درمان
لبیک گوین آمدم تا محفل یار	طی کرده مشتاقانه راه منزل یار

حج وادی امن، ص: 151

با دست جان یا رب نچیده نوگل یار	پای دلم پر خون شد از خار مغیلان
نالم به کویت حالی از درد جدائی	گویم که شاید پرده از رخ برگشائی
تو افکنی بر من نگاه دلربائی	من بنگرم آن حسن کل با دیده جان
ما جز یا رب یاور و یاری نداریم	با حضرتت حاجت به دیاری نداریم
جز رحمتت ب کس سر و کاری نداریم	باز است بر بیچارگان درگاه سلطان

<http://www.erfan.ir>

پایگاه اطلاع رسانی عرفان

پایان آخر جمادی الثانی 1396